



تفسیر انجیل متی
برای مشاوران مسیحی

**The Christian Counselors Commentary
The Gospel of
Matthew**

نویسنده: شاهرخ صفوی
ویرایش: فروز باوریان
مراجع: اسپرجن، جی آدامز، متیوهنری

پیش نویس نویسنده

در خصوص انجیل متی، تفسیر های مختلفی (اسپرین، جی آدامز، متیوهنری) وجود دارد. ما مشاوران مسیحی که امروزه به وجود روح القدس، و منظوری که او در زندگی فرزندان خدا دارد آشنا هستیم، تفسیر عملی این آیات را بکار می بریم. کتابی که در دست دارید، آنچه مربوط به یاری فرزندان خدا می باشد را از طریق تفسیر انجیل (متی) برای مسیحیان فارسی زبان فراهم ساخته ایم. امیدواریم خواندن این کتاب باعث برکت شما بشود و پادشاهی خدا را همانگونه که خود وعده داده (ارمیا ۴۹) در دل همه فارسی زبانان جهان جای بگیرد. آیات منتشر شده از ترجمه هزاره نو می باشند، مگر ذکر شده باشد. آمین

شاهرخ صفوی

فصل بیست و چهارم

متی ۲۴

۱: هنگامی که عیسی معبد را ترک گفته، به راه خود می رفت، شاگردانش نزدش آمدند تا نظر او را به بناهای معبد جلب کنند.
۲: عیسی به آنان گفت: «همه اینها را می بینید؟ آمین، به شما می گویم، سنگی بر سنگ دیگر باقی نخواهد ماند، بلکه همه فرو خواهد ریخت».
۳: وقتی عیسی بر کوه زیتون نشسته بود، شاگردانش در خلوت نزد او آمده، گفتند: «به ما بگو این وقایع کی روی خواهد داد و نشانه آمدن تو و پایان این عصر چیست؟»

۱: هنگامی که عیسی معبد را ترک گفته، به راه خود می رفت، شاگردانش نزدش آمدند تا نظر او را به بناهای معبد جلب کنند.

توجه کنید می گوید، عیسی معبد را ترک گفت. از آن به بعد نیز، دیگر به آنجا باز نگشت. قبلاً گفته بود، "اینک خانه شما به خودتان ویران و گذاشته می شود" (۲۳: ۳۸). خدا از آن مکان (معبد) خارج شد. هر وقت گناه وارد صحنه می گردد، خدا رویش را بر می گرداند (در واقع، شیطان است که مخالف خداست. شیطان حیاتش از خداست، اما روحش جهنمی است). آنوقت شیطان بکار می افتد و هزار بلا بر پا می کند، و دلیل را بر سر خدا می گذارد (این چه خدائیت است که شما دارید!). و تا زمانی که خدا تجربه نشده، استدلال شیطانی (دنیوی) کاملاً منطقی بنظر خواهد رسید. نباید فراموش کنیم که شیطان قرن هاست که در مردم زندگی کرده، و نسل به نسل راه بهتری را برای خود می سازد.

شاگردانش نزدش آمدند تا نظر او را به بناهای معبد جلب کنند. شاگردان از عظمت ساختمان (ظاهر) معبد می بالیدند، و عیسی مانند همیشه، از موقعیت ایجاد شده استفاده کرد و آنچه در پیش است را به ایشان تذکر می دهد.....

۲: عیسی به آنان گفت: «همه اینها را می بینید؟ آمین، به شما می گویم، سنگی بر سنگ دیگر باقی نخواهد ماند، بلکه همه فرو خواهد ریخت».

خدا هشدار را قبلاً بما می دهد. البته نجات عیسی بقدری شادی و نشاط دارد که بدی ها را فراموش می کنیم. اما اگر روح القدس را در خود داریم (خدا)، اوست که هشدار را می دهد و راه حل را نیز در ما هضم می نماید. اگر استفاده از آن نکنیم، نخواهیم فهمید خدا کیست. مزمو ۳۴: ۸ می فرماید، "بچشید و ببینید که خداوند نیکوست؛ خوشا به حال آن که در او پناه گیرد". باید چشید. چگونه باید چشید.....؟ وقتی مسئله پیش می آید آیات مربوط به خود را می چشیم تا روح القدس آنها را در ما هضم نماید. بهترین راه، پناه آوردن به خدا در کلیسا است. آنجاست که بنای خدا در ما ساخته می شود. در مکاشفه ۲۱: ۵ می خوانیم، "سپس آن تخت نشین گفت: «اینک همه چیز را نو می سازم.» و گفت: «اینها را بنویس زیرا این سخنان در خور اعتماد است و راست است»".

روح القدس ما را محفوظ می دارد، اما می دانید چگونه.....؟! با ایجاد احساس شک، تردید، هشدار نسبت به راهی که در فکر آن هستیم. همه می دانیم که اشتباه های گذشته ما بخاطر نفوذ شیطان در زندگی ما بوده، اما حال که آزاد شدیم، آیا باز اشتباه می کنیم.....؟! شما را نمی دانم، ولی من خیلی اشتباه می کنم. در آنجا طعم بخشش ۷ ضرب در ۷۰ بار را چشیدم.

خدا را شکر که ساختمان ما فرو نخواهد ریخت. فیلیپیان ۱: ۶ می فرماید، **"یقین دارم آن که کاری نیکو در شما آغاز کرد، آن را تا روز عیسی مسیح به کمال خواهد رسانید"**.

کمال یعنی چه.....؟! یعقوب ۱: ۴ می فرماید، **"اما بگذارید پایداری کار خود را به کمال رساند تا بالغ و کامل شوید و چیزی کم نداشته باشید"**. در نتیجه می بینیم که ما نیز در این کار (پایداری) شریک می باشیم. پس اگر می خواهیم از نیش شیطان محفوظ بمانیم، باید خود را در خدا بشناسیم که هستیم، و خواست پدر از ما چیست، و چگونه اجرایش کنیم. بیاد داشته باشیم قائل (قابیل) نیز می دانست خواست خدا چیست (هدیه)، اما خدا را نمی شناخت و هدیه به ضرر او تمام شد. شناخت خدا خود بخود انجام نمی گردد. اگر اینطور بود، کلامش را بما نمی داد. اما شناخت نه تنها وقت خواندن کلام را می خواهد، بلکه فهم و درک آن را نیز لازم دارد. در این میان شیطان را نیز نباید فراموش کرد. آنوقت متوجه می شویم آیتی که می خوانیم مربوط به ما نیز می شوند و می خواهیم از آن ها بهره بگیریم. کار در دست ما می افتد تا از آنچه می خوانیم پند گرفته و استفاده کنیم. اما ناکام می مانیم. چرا.....؟! چون خدا گفت کار ما نیست. **"زیرا هر جا که دو یا سه نفر به نام من جمع شوند، من آنجا در میان آنان هستم"** (۱۸: ۲۰). صحبت از جنگ روحانیست که باید اجرا گردد. آن بوته آزمايشی است که روح القدس کلامش را در ما هضم می نماید، و اینگونه جای پای شیطان را از میان بر می دارد. نفوذ شیطان در ما بقدری است که دو یا سه نفر دیگر را لازم است که در مشاوره شرکت داشته باشند تا موفقیت حاصل گردد. اما باید پایدار ماند (از قصد)، چون خواست خداست.

دلیل آنکه مذهب یون خانه شان فرو ریخت چه بود.....؟! چون آنچه از خدا می دانستند را اجرا نکردند. خدا روح است که جسم را آفرید و حیات خود (روح القدس) را در او دمید. اگر خواسته ها و نیاز هایمان را به خدا نگوئیم، نباید انتظار دریافت از او را داشته باشیم. خدا گفت نه تنها بخواهید.....، بلکه بگوئید، و بجوئید. همه بخواهید را اجرا می کنند، ولی انتظار دارند خدا آنچه می خواهند را با چتر نجات از آسمانش بر بالینشان فرود آورد! اگر فعلاً حال روحی و جسمی ما خوب است، دلیل نمی باشد که شیطان رفت و دیگر بر نمی گردد. اگر برگردد و جا را خالی ببیند، وضع ما بدتر از پیش خواهد گردید. روح القدس درون ما را می توان مانند جوی آب زلالی پنداشت که همیشه در جریان است. اما اگر سدی راهش را بگیرد، آب شروع به گندیدن می نماید. روح القدس هشدار می دهد که مواظب باش ولی ما گوش نمی دهیم. چرا.....؟! چون با ندایش (صدایش) آشنا نیستیم. چگونه با صدایش آشنا می شویم.....؟! وقتی مسئله و یا مشکلی برای ما پیش می آید (در بهشت مسئله یا مشکل نیست)، از فرصت استفاده کرده موضوع را با شبان در میان می گذاریم. از او می خواهیم از طریق کلام، مسئله ما را حل کند. انتظار ما از روح القدسی که درون خود داریم، و کلامش خواهد بود، تا مسئله را حل کند. منظور رسیدگی به ضعف هائی است که هر یک داریم. این ضعف ها جای پای شیطان را دارد. جلوی برداشت ما را از خدا می گیرند. شیطان نمی گذارد ما برداشتی از خدا داشته باشیم. آنچه تا بحال دریافت کرده ایم، ساختمانی است که روح القدس با بکار بردن کلامش در ما ساخته. اما تا زمانی که در این بدن از جلال افتاده هستیم، با ضعف های گوناگون و بیماری های گوناگون مواجه خواهیم شد. حقیقت زندگی در این است که انسان نهایتاً خواهد مرد. چیست که باعث مرگ انسان می شود.....؟! فرسودگی جسم. چیست که باعث این فرسودگی می شود.....؟! ضریات روحی ناشی از مسائل و مشکلات زندگی که تاثیر بر جسم می گذارند. این موضوع را می توان اینگونه شرح داد... اگر شما در حال غذا خوردن عصبانی باشید، بهتر غذا را هضم می کنید، یا عصبانی نباشید؟ البته اگر عصبانی نباشید. زمانی که اعصاب ما متشنج است، نمی توانیم چیزی را هضم کنیم. هیچکس زمانی که عصبانی هست، احساس گرسنگی نمی کند. تمام وجود انسان در اختیار دل قرار می گیرد تا آنچه اعصاب را متشنج کرده خنثی شود.

اما این دل نمی داند به چه دلیل اعصابش متشنج شده. این ضعف روحانی را شیطان بوجود آورده. ولی.... خدا که نیک صفت است این ضعف ها را می خواهد از فرزندش بردارد. زمینه انجام خواست خود را نیز در کلامش نشان داده. هر کس باید برداشت و تجربه خود را بدست آورد. بیاد داشته باشیم که، خدا تجربیست، شناختنی نیست. شناخت خدا تنها از طریق شناخت روح القدسی می باشد، که هر یک در خود داریم. اما روح القدس تنها کلامش را می شناسد و تنها کلامش را هضم می نماید. اگر تمرکز ما بر اجرای خواست خدا نباشد، اجرای هر کاری به نفع شیطان خواهد بود. اشکال در کجاست.....؟ اشکال در ضعف روحانی ما در شناخت روح القدسی است که درون خود داریم. روح القدس قبل از وقوع گناه، هشدار را می دهد، ولی باید بتوانیم از این هشدار خبردار شویم. از طرفی خدا اجازه می دهد ما نیز مانند عیسی و سوسه بشویم. چرا.....؟ تا بتوانیم روح القدس را با خواستن، کوبیدن، و جوییدن خود..... بشناسیم و حمایت کنیم. فرزندان خدا، خدا را در وجود خود دارند، اما باید در زمینه تجربی، مورد حمایت کلیسا قرار بگیرند. کلیسا طریق کار روح القدس را می داند و می تواند کمک کند تا مسائل و مشکلات ما، از طریق اجرای کلام خدا حل نماید. تدریس هائی در این زمینه برای خادمین و ایمانداران فراهم شده (۱).

۳: وقتی عیسی بر کوه زیتون نشسته بود، شاگردانش در خلوت نزد او آمده، گفتند:

«به ما بگو این وقایع کی روی خواهد داد و نشانه آمدن تو و پایان این عصر چیست؟»

بالاخره شاگردان متوجه شدند که عیسی صحبت از آینده می کند. اینجا می بینیم که زندگی روحانی زمان می برد تا رشد کند. بعضی زود، و بعضی دیرتر. اما آنکه فکر می کند زودتر برایش بهتر است تا دیر تر، خود را فریب می دهد. خدا فرموده بود، "پس، آخرینها اولین خواهند شد و اولینها آخرین! (۲۰: ۱۶). خدا از طریق روح القدس که درون خود داریم، مطابق با شرایطی که داریم (هر گونه که باشد)، ما را پرورش می دهد. هر یک مطابق با شرایط خود. هیچکس شرایطش با دیگری یکی نیست. من در دنیای خودم زندگی می کنم و شما در دنیای خودتان زندگی می کنید. این خداست که زندگی انسان را ادامه می دهد. اما شیطان است که آن را می خواهد برای ما جهنمی کند. به هر فکر و برنامه ای که داریم، سعی می کند نفوذ کند. مانند جاسوسانی که دشمن به میان می آورد. هر یک از این ضربات جایشان را در روح و جسم ما اثر می گذارند (اشکالات جسمانی از اشکالات روحانی سرچشمه می گیرند). اما خدا آنچه علیه ما بوده را به نفع ما تمام می کند (رومیان ۸: ۲۸). چگونه.....؟ با پناه آوردن به کلیسا. کلیسا کلام خدا را می شناسد و از طریق کار آن اطلاع کافی دارد (۱).

عیسی معبد را ترک کرده بود..... ولی شاگردانش را همیشه همراه خود نگاه می داشت. وقتی به کوه زیتون می رسد، معبد را جلوی خود می بیند. اینجا قاضی را بر تخت قضاوت خود در مقابل شهر و معبد می بینیم. هزقیال ۱۱: ۲۳ می فرماید، "و جلال خداوند از میان شهر برخاست و بر کوهی که در جانب شرقی شهر بود، ایستاد." روح القدس از قدیم هشدار های لازم را داده بود.

شاگردان پیش بینی های ناگواری را شنیده بودند، اما بجای آنکه بپرسند چرا این اتفاق ها انجام می شود، می خواستند بدانند چگونه و چه زمان اتفاق خواهند افتاد. معلوم است که نگران خود و آینده شده اند، "و نشانه آمدن تو و پایان این عصر چیست؟". این شاگردان اگر به آنچه کلام تا بحال گفته بود توجه کرده بودند، متوجه دلیل و زمان آن می شدند. کلام خدا در جامعه ۱: ۹ می فرماید، "آنچه بوده است، باز هم خواهد بود، و آنچه شده است، باز هم خواهد شد؛ زیر آفتاب هیچ چیز تازه نیست." البته با مرور زمان ممکن است شکل عوض بشود، ولی ماهیت همان است.

متی ۲۴

- ۴: عیسی پاسخ داد: «به هوش باشید تا کسی گمراهتان نکند.
۵: زیرا بسیاری به نام من خواهند آمد و خواهند گفت،
"من مسیح هستم"، و بسیاری را گمراه خواهند کرد.
۶: همچنین درباره جنگها خواهید شنید و خبر جنگها به گوشتان خواهد رسید.
اما مشوش مشوید، زیرا چنین وقایعی می باید رخ دهد،
ولی هنوز پایان فرا نرسیده.
۷: نیز قومی بر قوم دیگر و حکومتی بر حکومت دیگر بر خواهند خاست.
و قحطیها و زلزله ها در جایهای گوناگون خواهد آمد.
۸: اما همه آنها تنها آغاز درد زایمان است.
۹: «در آن زمان شما را تسلیم خواهند کرد تا آزار بسیار بینید،
و شما را خواهند کشت.
همه قومها به خاطر نام من از شما نفرت خواهند داشت.
۱۰: در آن روزها بسیاری از ایمان خود باز گشته،
به یکدیگر خیانت خواهند کرد و از یکدیگر متنفر خواهند شد.
۱۱: پیامبران دروغین زیادی برخاسته، بسیاری را گمراه خواهند کرد.

۴: عیسی پاسخ داد: «به هوش باشید تا کسی گمراهتان نکند.

امروزه ما فرزندان خدا ممکن است به عناوین مختلف **گمراه** بشویم. هر شخصی تلفن همراه خود را دارد که با تمام دنیا در رابطه است و هر چه در آن است، در دسترس او قرار گرفته است. اما مگر دنیا از جلال خدا نیافتاده.....؟ پس چکار باید کرد.....؟ توجه داشته باشیم آنچه در آن است، همه خوب نیست. بسیاری از مطالب موجود، به ضرر انسان است، خصوصاً به فرزندان خدا. عیسی می گوید، به هوش باشید. حواستان به آنچه می بینید، می شنوید، و می چشید باشد، تا کسی گمراهتان نکند. حال اگر گمراه شدیم چه خواهد شد.....؟ آغاز بد بیاری های ما خواهد بود. از خودمان آغاز می شود که آسیب روحی و جسمانی زیادی را وارد می سازد. هر چه زمان آن بگذرد، قوی تر می شود و تبدیل به عادت می گردد. نباید به هر چه دسترسی داریم، استفاده نیز، بکنیم. اول قرن نهم تا ۱۰: ۲۳ می فرماید، "همه چیز جایز است" - اما همه چیز مفید نیست. "همه چیز رواست" - اما همه چیز سازنده نیست.

توجه کنید: همه چیز هست..... اما..... همه... مفید نیست... یا... همه... سازنده نیست. اگر بخواهیم معبد خود را محفوظ نگاه بداریم، چکار باید بکنیم...؟ خود را (از قصد) در دعا و مطالعه کلام نگاه بداریم. اینگونه روح القدسی که درون خود داریم، مورد توجه خودمان قرار می گیرد، و اگر خطری ایجاد شود ندا (صدای) هشدار او را خواهیم شنید (آشنا خواهیم شد). باید راهی که در پیش داریم را ابتدا در دعا با او که پدر است، مشورت کنیم و نتیجه را در دلمان (روح القدس) بگیریم. به همین خاطر توصیه می شود هر روز صبح قبل از حرکت، راجع به برنامه روز خود در دعا با خدا مشورت کنیم. خدا درون ما هست، اما افکار ما داعمأ با او نیست. بسیاری فکر می کنند خدا آنچه ما خراب کرده ایم را خودش اصلاح می کند و رومیان ۸: ۲۸ را به زبان می آورند، "می دانیم در حق آنان که خدا را دوست می دارند و بر طبق اراده او فرا خوانده شده اند، همه چیزها با هم برای خیریت در کار است".

بله، همه چیز برای خیریت ما در کار هست، اما گناه چگونه.....؟ از طریق توبه. توبه راه برگشت به خداست. ممکن است بتوانیم جلوی خودمان را بگیریم، ولی جایش خالی می ماند. باید جایش با کلام پر شود. اما خدا گفته دو یا سه نفر باید مشارکت داشته باشند تا نتیجه گرفته شود. اینجاست که می بینیم این کار ما نیست. باید به کلیسا رجوع کنیم. اگر خجالت در میان است، مطمئن باشیم کار شیطان است، و باید (از قصد) آن را نادیده بگیریم.

اگر شبان خود را با حال و احوال خود بی اطلاع بگذاریم، نباید انتظار کمک از او را داشته باشیم. او نماینده خدا در کلیسای ماست. نفر دوم و سوم که عیسی صحبت از آن ها کرده، در کلیسای خودمان هستند. در پوشش دعا و خیریت ما هستند. خدا هم در ما هست و هم در آنها. راه خدا را آنگونه که در کلامش نشان داده می توان پیمود. اما راهی است که لازم است مطابق با کلام پیش برود تا درست شناخته شود.

۵: **زیرا بسیاری به نام من خواهند آمد و خواهند گفت، "من مسیح هستم،" و بسیاری را گمراه خواهند کرد.** تا بحال در تاریخ، بسیاری بوده اند که خود را عیسی و یا مسیح نامیده اند و طرفدارانی را برای پیشبرد مقاصد خود جمع کرده اند. البته کمتر کسی که خدا را تجربه کرده این افراد را می پذیرد. اما بسیاری تجربه نکرده اند، و در خطر دام آن ها می باشند. چکار می توان کرد.....؟ آن ها را تشویق به استفاده از کلام نکنیم. اگر مسئله یا مشکلی دارند، آن را به کلیسا برده و بخواهند خادمین از طریق کلام خدا مسئله را حل کنند. اینگونه است که بسیاری از مسائل دیگر نو ایمانان، همراه مسئله فعلی حل می گردند. خدا تجربیست، نه دانستی. عیسی را باید تجربه کرد تا او را شناخت. عیسی برای هر کس منظور و مقصود ویژه خود را دارد. تنها از طریق اجرای کلامش است که این خواست ویژه او انجام می گیرد. اگر تا بحال خواست خدا را انجام داده اید، آیات مربوط به آن را پیدا کرده در حافظه خود نگاه بدارید. اینها (آیات) پشتوانه شهادت شما از کار خداست. اما، نباید فراموش کنیم همیشه مسائل و مشکلات زندگی را با شبان خود در میان بگذاریم. حد اقل یک نفر دیگر در کلیسا باید از آن اطلاع داشته باشد.

۶: **همچنین درباره جنگها خواهید شنید و خبر جنگها به گوشتان خواهد رسید. اما مشوش مشوید، زیرا چنین وقایعی می باید رخ دهد، ولی هنوز پایان فرا نرسیده.**

عیسی قبلاً گفته بود، آمین، به شما می گویم، سنگی بر سنگ دیگر باقی نخواهد ماند، بلکه همه فرو خواهد ریخت (آیه ۲). تاریخ می گوید شهر اورشلیم و معبد بکلی ویران شدند. کمتر زمانی بوده که شاهد جنگ نبوده باشیم و یا خبر از آن نداشته ایم. اما این تا زمانی ادامه خواهد داشت که، "دیگر قومی بر قومی شمشیر نخواهد کشید و جنگاوری را دیگر نخواهند آموخت" (اشعیا ۲: ۴).

اما مشوش مشوید. چرا.....؟ چون روح القدس هشدار و حرکت لازم را بما نشان خواهد داد. یکی از خصوصیات روح القدس حفاظت از جان انسان است (که از تولد در دست شیطان بوده). وقتی خبر از جنگها می شنویم، مشوش مشوید، زیرا چنین وقایعی می باید رخ دهد. چرا مشوش نشویم.....؟ چون راه فرار را روح القدس بما نشان خواهد داد، "هیچ آزمایشی بر شما نیامده که مناسب بشر نباشد. و خدا آمین است؛ او اجازه نمی دهد بیش از توان خود آزموده شوید، بلکه همراه آزمایش راه گریزی نیز فراهم می سازد تا تاب تحملش را داشته باشید" (اول قرننتیان ۱۰: ۱۳). خدا دائماً در حال حفاظت از ما است، اما به شرط آنکه ما نیز به او گوش بدهیم. اما اگر با صدای او (ندا) آشنا نشده باشیم، چگونه می توانیم گوش بدهیم. چگونه می توانیم هشدار خدا را قبل از وقوع بشناسیم. با تجربه (از قصد) از روح القدس که درون خود داریم. او را خدا به همین منظور بما داد. عیسی جانش را داد تا او را در خود پرورش دهیم، نه خودمان را. گول شیطان را نخوریم، خدا را می توان تصور کرد چگونه است (فریسیان)، اما تجربه چیز دیگری را نشان خواهد داد. تجربه است که ما را شبیه به عیسی می کند. اما نه آنگونه که مذهبیبون دعا می کنند که روزی در آینده نصیبشان بشود. ما نباید در خصوص نیاز هایمان تنها به دعا اکتفا کنیم. عیسی روح و کلامش را داد تا در

آن راه رویم و مطابق با شرایط او در این دنیای از جلال افتاده زندگی کنیم. او حتی آنکه نیکو را به زبان آورد، مورد شک قرار داد. آنچه از دلی که وابسته به عیسی است سر چشمه می گیرد، نیکو خواهد گردید. ما مشوش نمی شویم، ولی سیر بلای خود را نیز به زمین نمی گذاریم.

۷: نیز قومی بر قوم دیگر و حکومتی بر حکومت دیگر بر خواهند خاست. و قحطیها و زلزله ها در جایهای گوناگون خواهد آمد.

ما امروزه شاهد قومی بر قوم دیگر و حکومتی بر حکومت دیگر بر خواهند خاست می باشیم. جنگ و خونریزی خواست خدا نیست و می دانیم کیست که سگان این ماجرا ها را در دست دارد... شیطان. دنیای از جلال افتاده، روز بروز افتاده تر می شود. به همین خاطر باید وقت بیشتری را در دعا و کلام بگذرانیم. چاره جز این نداریم. عیسی نیامد کسی را محکوم کند، بلکه نجات دهد. ما که تجربه داریم می دانیم خدا تجربی است نه فکری (خیال/تصور). اما متأسفانه هنوز میان فرزندان خدا، تجربه از پدرشان کم است. منظور تجربه عیسی است (راه تقدیس)، نه تجربه ای که از گذشت زمان بدست می آید. اگر اینطور بود، چرا خدا می گوید وقتی دچار مسئله می شویم کمال شادی بیانگاریم! مگر آزار دارد! البته که نه. پس چگونه است که هنوز فرزندان خدا تجربه لازم را دریافت نکرده اند.....؟ کوتاهی کلیسا. چرا.....؟ چون کلیسا های آمریکائی/ایرانی صحبت از روح القدس (چه رسد به چگونگی) که ایمانداران درون خود دارند نمی کنند. همه صحبت از عیسی می کنند و بس. در صورتی که عیسی در جای دیگر می گوید، "با این حال، من به شما راست می گویم که رفتنم به سود شماست. زیرا اگر نروم، آن مدافع نزد شما نخواهد آمد؛ اما اگر بروم او را نزد شما می فرستم" (یوحنا ۱۶: ۷). و علاوه بر این می گوید، "اما چون آن مدافع که از نزد پدر برای شما می فرستم بیاید، یعنی روح راستی که از پدر صادر می شود، او خود درباره من شهادت خواهد داد". یعنی روح القدس که درون خود داریم، ما را شبیه به عیسی می کند. اما باز یاد آور می شویم که شباهت به عیسی تنها کار ما نیست. دو یا سه نفر (کلیسا) باید در خصوص هر موردی مشورت نمایند. راه تنگ و باریک خدا را دو یا سه نفر در برداشت از آیات نظارت می کنند تا در آن محور کلام خدا پیش برویم. اگر می خواهیم در جنگ و خونریزی های دنیا جان سالم در آوریم، باید روح القدس را بشناسیم و صدای او را بشنویم.

۸: اما همه اینها تنها آغاز درد زایمان است.

۹: «در آن زمان شما را تسلیم خواهند کرد تا آزار بسیار ببینید، و شما را خواهند کشت. همه قومها به خاطر نام من از شما نفرت خواهند داشت.»

عیسی خبر های ناگواری می دهد. اتفاقاً همین طور نیز شد. مسیحیان را به جان شیر ها می انداختند تا سرگرمی برای مردم درست کنند. جان انسان ارزش کمی داشت. حال اگر مسیحیان مردم را کشتار و آزار می دادند، شاید، همه قومها به خاطر نام من از شما نفرت خواهند داشت، اما صرفاً از آنها بخاطر عقیده شان (نه خودشان) نفرت داشتند. چیست که باعث چنین رفتاری می شود....؟! بله دشمن دیرینه ما. تنفر از شیطان است. افکار بدی را نسبت به دیگری پرورش می دهد. از آنچه می شنود و می بیند بیزار می شود. در صورتی که شنیدن و دیدن را خدا داده. پس می بینیم که معیار شنیدن و دیدنش با ما فرق دارد. تحمل آنچه به ذهنشان می رسد کم است. خدا می گوید، "سفره ای برای من در برابر دیدگان دشمنانم می گسترانی! سرم را به روغن تدهین می کنی و پیاله ام را لبریز می سازی" (مزمور ۲۳: ۵). سفره چیست.....؟ خوراک روحانی خود را به دشمن خود می رسانیم. آنچه از روح القدس بر می آید خوراک روحانیت (چه برای خودمان، دیگران، یا دشمنان). چرا با ما دشمنی دارند؟ هر چه هست، لزومی ندارد به دعوا و خشونت بکشد. باید بدانیم چرا، تا بتوانیم راه حل آن را پیدا کنیم. در گشایش دلیل دشمنی است، که در حل مسئله نرفته است. می دانیم که دشمنی از خدا نیست، در نتیجه در مورد آن، یا همفکر می شویم، یا توافق می کنیم نظر یکدیگر

را از قصد تحمل خواهیم کرد. یکی دیگر از خصوصیات روح القدس ایجاد صلح و آشتی است. باید امیدوار بود همه از این خصوصیات بهر مند باشند. خدا می گوید، "مهمتر از همه، یکدیگر را به شدت محبت کنید، زیرا محبت، انبوه گناهان را می پوشاند". محبت ما چگونه است.....؟ یا صلح و آشتی می کنیم، یا عهد می بندیم تا موضوع را دیگر به میان نیاوریم. باید دنیا را فهماند، مسیحی دین یا مذهب نیست بلکه رابطه ایست که با خدای درون خود داریم. اوست که به همه جان داده تا با او راه بروند. اما باید انسان خدا را در وجود خود برداشت کرده باشد تا بتواند با او راه برود. مذهب راهیست که انسان فکر می کند به خدا می رسد. کلام می فرماید، "پیش روی انسان راهی هست که در نظرش درست می نماید، اما در آخر به مرگ می انجام" (امثال ۱۴: ۱۲).

۱۰: در آن روزها بسیاری از ایمان خود باز گشته، به یکدیگر خیانت خواهند کرد و از یکدیگر متنفر خواهند شد.

بسیاری از ایمان خود بازگشته، چرا.....؟ چون خدا را نشناخته بودند. خدا به درستی به آنها معرفی نشده بود. فکر می کردند خدا را می شناسند. افکار را داشتند، اما راه را نداشتند (اشعیا ۵۵: ۸ و ۹). خدا ابتدا کلامش را می دهد، سپس آن را در جسمی که در آن زندگی می کند، پرورش می دهد. شخصیت ما تغییر می کند. کسانی که قبلاً او را می شناختند گفتند، "و مگر همه خواهان او در اینجا با ما نمی باشند؟ پس او همه این چیزها را از کجا کسب کرده است؟" (۱۳: ۵۶). عیسی تا حدود سی سالگی انسانی معمولی بود که نجاری می کرد و همه او را می شناختند. اما زمانی که خدمتش آغاز شد، انسان دیگری شد. در دنباله همان آیه می فرماید، "پس آنها او را رد کردند. عیسی به آنها گفت: «یک نبی در همه جا مورد احترام است، جز در وطن خود و در میان خانواده خویش»". اینجا خود را نبی خوانده بود چون هنوز مردم توانائی دیدن خدا را نداشتند. در عهد قدیم خدا به ابراهیم گفت، "خدا گفت: «نزدیکتر میا! کفش از پا به در آر، زیرا جایی که بر آن ایستاده ای زمین مقدس است»" (خروج ۳: ۴). می گوید خاک پای کفش ها را داخل خانه من نیاور. تنها یک راه ورود به خانه خدا هست..... توبه. منظور قضاوت از خودمان است در مقایسه با خدا. خدا در جای دیگر می فرماید، "زیرا هر کس که کلام را می شنود اما به آن عمل نمی کند، به کسی ماند که در آینه به چهره خود می نگرد و خود را در آن می بیند، اما تا از برابر آن دور می شود، از یاد می برد که چگونه سیمایی داشته است. اما آن که به شریعت کامل که شریعت آزادی است چشم دوخته، آن را از نظر دور نمی دارد، و شنونده فراموشکار نیست بلکه به جای آورنده است، او در عمل خویش خجسته خواهد بود" (یعقوب ۱: ۲۳). خجستگی در عمل است نه در شنیدن. اگر شنیدن تبدیل به بجای آورنده نشود، فراموش می گردد. چیست که باعث می شود، به یکدیگر خیانت خواهند کرد و از یکدیگر متنفر خواهند شد. شیطان.

۱۱: پیامبران دروغین زیادی برخاسته، بسیاری را گمراه خواهند کرد.

امروزه پیامبران مسیحی بسیارند. اما مسیحی بودن را مانند ادیان دنیا بکار می برند. اگر ضعف یا مسئله ای برایشان پیش آید، آن را نادیده می گیرند و می سپارند دست خدا. این راهیست که مذهبیبون داشتند، بدون نیاز به عیسی. خیر..... این کاری نیست که عیسی جانش را برای آن داد. دنیا پر از مسائل و مشکلات است. اما در بهشت خدا، مسائل و مشکلاتی نیست. نجات یعنی نجات از مسائل و مشکلات زندگی. تنها خداست که می تواند مسائل و مشکلات ما را حل کند (۲). به روانشناسان پناه نیاوریم، خصوصاً روانشناسان مسیحی. مکتب قاطی شده کلام خدا با فرایض انسانی بیش نیست. کار را (یک نفره) خودشان انجام می دهند! اما آن راهی نیست که خدا فراهم ساخته. راه او مطابق با کلامش، تنگ و باریک است، و خودش باید انجام بدهد، نه ما. کاری که باید انجام بگیرد، جنگ روحانیست. ابتدا باید در دعا جویای آنکه چگونه این اتفاق ناگوار انجام گردید بشویم. باید ابتدا مسئله را شناخت. سپس باید نقش خود را در مسئله شناخت. اگر بخواهیم عوض بشویم، باید بدانیم چگونه هستیم و چگونه می خواهیم باشیم. توبه راهیست که ما را از آنچه بودیم، به آنچه

می خواهیم باشیم، و خواهیم بود خواهد رساند. هر تجربه ای که داریم، به تنهایی می توانید ما را در خدا حفظ کند، تا بدست **بسیاری را گمراه خواهند کرد** نیفتیم.

متی ۲۴

۱۲: در نتیجه افزونی شرارت،
محبت بسیاری به سردی خواهد گرایید.
۱۳: اما هر که تا به پایان پایدار بماند،
نجات خواهد یافت.
۱۴: و این بشارت پادشاهی
در سرتاسر جهان اعلام خواهد شد
تا شهادتی برای همه قومها باشد.
آنگاه پایان فرا خواهد رسید.
۱۵: پس چون آنچه را دانیال نبی 'مکروه و پیرانگر' نامیده
در مکان مقدس بر پا بینید - خواننده دقت کند -

۱۲: در نتیجه افزونی شرارت، محبت بسیاری به سردی خواهد گرایید.

ما همه با شرارت به دنیا آمدیم. حتی در موقع تولد با گریه به دنیا آمدیم. تمام ضعف هائی که داریم از تاثیر گناهیست که در ما هست (چه موروثی و چه خودمان اضافه نمودیم). گناه چیست....؟ مخالفت با خدا. شیطان رشد نیز می کند (همانگونه که روح القدس رشد می کند). آنچه در دل داریم را روح درون ما انجام می رساند. اگر روح شرارت باشد، به جان ما صدمه می زند. هیچکس از سلامتی نمرده. ناسلامتی را مسائل حل نشده ما بوجود می آورند. در دی-ان-ای (DNA) ما اثر می گذارند و به فرزندانمان انتقال می یابند. سلسله مراحل است از حیات شیطان. تلخی را در زندگی بوجود می آورد. وقتی کسی نیست که کمک کند، تلخی به غیظ تبدیل می شود (شیطان رشد می کند)، و تمام بدن انسان را تحت کنترل خود می گیرد. در این شرایط است که **محبت بسیاری به سردی خواهد گرایید**. گول شیطان را نخوریم، اگر از خدا بخواهیم، بگوئیم، و بجوئیم، دریافت خواهیم کرد. شک نکنیم. البته جرئت می خواهد مسئله خودمان را با دیگری افشا کنیم. در دنیا چنین کاری نشانه ضعفی است که می تواند مورد استفاده شریران قرار بگیرد. هیچکس حاضر نیست ضعف های دلش را به کسی افشا نماید. اما خدا می گوید، "پس نزد یکدیگر به گناهان خود اعتراف کنید و برای یکدیگر دعا کنید تا شفا یابید. دعای شخص پارسا، با قدرت بسیار عمل می کند" (یعقوب ۵: ۶). اینگونه است که **محبت پای برجا می ماند**.

۱۳: اما هر که تا به پایان پایدار بماند، نجات خواهد یافت.

مگر ما تا ابد نجات نیافته ایم؟ پس منظور از **هر که تا به پایان پایدار بماند** چیست؟ منظور نجاتی است که در زندگی روزانه (نان روزانه) بدست می آوریم. گناهان ما را خدا بخشیده، اما هنوز تقدیس (پاک) نشده ایم. تقدیس نیز از طریق تجربه کلام صورت می گیرد. هر مسئله ای، می تواند باعث برکت ما یا لعنت ما بگردد. خدا از مسئله ما استفاده می کند تا ما را برکت دهد و شبیه به عیسی (خدا) بسازد. خدا می گوید، "**اما بگذارید پایداری کار خود را به کمال رساند تا بالغ و کامل شوید و چیزی کم نداشته باشید**" (یعقوب ۱: ۴). البته منظور عیسی از **پایدار** تنها در راه حل یک مسئله نیست، بلکه در قبال همه مسائلی که پیش می آیند باید پایدار بمانیم. پایداری یعنی..... بخواهیم، بگوئیم و بجوئیم (آیات کلام را) تا راه خدا را در زندگی خود

پیدا کنیم. شیطان است که نمی گذارد راه خدا را پیدا کنیم. بخاطر همین است که عیسی در این خصوص می گوید دو یا سه نفر باید همفکر باشند تا انجام بگیرد. راه خدا راه نجات از اثرات شیطان است (افکار و رفتار) در وجود ما. نگذارید نجات شما تنها به ایمان آوردن ختم شده باشد. ایمان آوردن به عیسی تنها روح القدس را آزاد می کند. تجربه است که خواست خدا را در ما بجای می آورد. اگر تجربه انجام نگردهد، شیطان دست بالا را در ما خواهد داشت. هر که نجات را یافته، قدر آن را می شناسد و **پایدار** خواهد ماند.

۱۴: و این بشارت پادشاهی در سرتاسر جهان اعلام خواهد شد تا شهادتی برای همه قومها باشد. **آنگاه پایان فرا خواهد رسید.**

این بشارت پادشاهی در سرتاسر جهان اعلام خواهد شد، و هنوز همه ایمان نیاورده اند. چرا.....؟ بعضی می گویند اشکال از کافی نبودن مباشرین است، و بعضی می گویند اشکال در شنوندگان است. خیر....، اشکال در پیامی است که از خدا داده می شود. خدا خالق انسان است و می داند چه لازم دارد و چه لازم ندارد. حیات نور را می دهد تا قدم در بهشت او بگذاریم. از جهمی که در آن به دنیا آمدیم، نجات یابیم. ما مذهب نداریم، بلکه ارتباط مستقیم با خدا، خالق خود داریم. هیچ مسئله و مشکلی نیست که خدا نتواند حل کند. در بهشت خدا مسئله یا مشکلی نیست. بسیاری شک دارند چنین وضعی حقیقتاً برای انسان امکان پذیر است. باید از نو پیام نجات را داد. نجات از چی.....؟ چگونه....؟ از کجا معلوم است....؟ اینها مواردی هستند که باید گفته شوند تا نشانی از خدا بدست آورند. کیست که نخواهد مشکل زندگی را از طریق خدا حل نکند. خصوصاً که به رایگان بدست می آید.

کلیسای عیسی مسیح مانند داربست ساختمانی دنیاست. تا زمانی که آخرین منتخب ایمان نیاورده، این داربست پای بر جا خواهد ماند.

آنگاه پایان فرا خواهد رسید. قبل از آنکه اورشلیم به خاک و خون کشیده شود، بسیاری به عیسی ایمان آورده بودند، و از همین طریق دهان به دهان، پیام عیسی در نقاط مختلف جهان پخش شد.

متی ۲۴

۱۵: پس چون آنچه را دانیال نبی 'مکروه ویرانگر' نامیده

در مکان مقدس بر پا بینید -

خواننده دقت کند -

۱۶: آنگاه هر که در یهودیه باشد، به کوهها بگریزد؛

۱۷: و هر که بر بام خانه باشد، برای برداشتن چیزی، فرود نیاید؛

۱۸: و هر که در مزرعه باشد، برای برگرفتن قبای خود به خانه بازنگردد.

۱۹: وای بر زنان آبستن و مادران شیرده در آن روزها!

۲۰: دعا کنید که فرار شما در زمستان یا در روز شبات نباشد.

۲۱: زیرا در آن زمان چنان مصیبت عظیمی روی خواهد داد

که مانندش از آغاز جهان تا کنون روی نداده،

و هرگز نیز روی نخواهد داد.

۲۲: اگر آن روزها کوتاه نمی شد،

هیچ بشری جان سالم به در نمی برد.

اما به خاطر برگزیدگان

کوتاه خواهد شد.

۱۵: پس چون آنچه را دانیال نبی 'مکروه ویرانگر' نامیده در مکان مقدس بر پا بینید - خواننده دقت کند -

عیسی آنکه دانیال در کتاب خود (دانیال ۲۹: ۷) خرابکار نام برده بود را 'مکروه ویرانگر' نام می برد. در حقیقت هم مکروه بود، و هم ویرانگر. تاریخ نوشته، آنتیاخوس اپیفانس پادشاه یونانی ۱۶۷ سال قبل از میلاد مسیح اورشلیم را تصرف می کند و بخاطر غضبی که نسبت به یهودیان داشت، دستور قتل هر که وارد معبد می شود را داد و خودش خوکی را وارد معبد کرد و سر برید و خونس را همه جا پخش کرد. امروز شاهد آنچه عیسی هزاران سال پیش، پیشگویی کرده بود نیز می باشیم، "در آن زمان شما را تسلیم خواهند کرد تا آزار بسیار بینید، و شما را خواهند کشت. همه قومها به خاطر نام من از شما نفرت خواهند داشت" (۹)(۳). سوال اینجاست، آیا خدا غضب دارد.....؟! اول یوحنا ۱: ۵ می فرماید، "این است پیامی که از او شنیده ایم و به شما اعلام می کنیم: خدا نور است و هیچ تاریکی در او نیست". ممکن است مواجه با غضب الهی شده باشیم، ولی از خدا نیست.

۱۶: آنگاه هر که در یهودیه باشد، به کوهها بگریزد؛

۱۷: و هر که بر بام خانه باشد، برای برداشتن چیزی، فرود نیاید؛

۱۸: و هر که در مزرعه باشد، برای برگرفتن قبای خود به خانه بازنگردد.

ایمانداران و همراهان خود را می گوید از شهر فرار کنند و در کوه ها پنهان شوند. یورش رومیان به یهودیه را پیش بینی می کند. البته بعضی این وقایع را مربوط به آخر زمان می شمارند، ولی به هر حال منظور یکیست، از جانمان حفاظت کنیم، و نگذاریم دستخوش مسائل دنیا بشویم. عیسی نیامد محکوم کند. محکومیت طبیعتاً به دنیا می آید، و اکثر مردم دنیا دچار آن می باشند (چه بدانند چه ندانند). آیا کسی را می شناسید ایمان نیاورده است.....؟! با او تماس بگیرید و پیام نجات عیسی از محکومیت را بدهید (خدا را شکر).

همانکه خبر رسیدن سپاه رومیان فرا رسید، یهودیان به شهر پلا، که بالای کوه قرار دارد پناه بردند. لوقا ۲۱: ۲۰ می فرماید، "اما هرگاه دیدید که اورشلیم به محاصره دشمن درآمده، بدانید که زمان نابودی آن فرا رسیده است". برای آنکه مردم بتوانند آنچه می گوید را بفهمند با مثال ها شرح می دهد (به کوهها بگریزد، فرود نیاید، به خانه بازنگردد). اگر بخواهیم شنوندگان ما بهتر حرف ما را بفهمند، باید به آنچه آشنا می باشند مثال آورد و شباهتی که به آن دارد را شرح داد. بعضی وقت کمتری لازم دارند تا درک بکنند و بعضی وقت بیشتر (۴). آیات کلام می باشند که توسط روح القدس درون متقاضی جواب را می دهند. اما زمان کافی لازم است تا متقاضی بتواند آن جواب را درک نماید. باید او را متکی به روح القدس که در خود دارد بنمائیم تا کلامش را درک کند و هضم نماید. روح القدس است که افکار را متمرکز بر کلام می نماید، و بر طبق هر موقعیتی، آن را هضم کرده و میوه می آورد.

۱۹: وای بر زنان آبستن و مادران شیرده در آن روزها!

۲۰: دعا کنید که فرار شما در زمستان یا در روز شبات نباشد.

هشدار به کسانی می دهد که توانائی حرکت ندارند، اما جانشان در خطر است. منظور اینست که باید برای احتمالات غیر منتظره برنامه داشت. زنان حامله برای خود برنامه لازم دارند، اما در احتمالات غیر منتظره چطور؟ خداست که به ما هشدار می دهد. اینگونه نیست که هر وقت لازم شد دست بکار خواهیم شد. می گوید دعا کنید در سرمای زمستان یا روز شبات (که هیچکس کمک نمی تواند بکند) با بارداری به کوهستان پناه بیاورید. دعا یعنی چی.....؟ یعنی تماس ما با خدا. خود را از دنیا جدا می سازیم (چشم بسته یا باز) و از درون دل با او راز و نیاز می نمائیم. او چگونه جواب می دهد.....؟ از طریق روح القدس که درون خود داریم. هر چه باشد، او با معیار خدا (کلام) بررسی می کند و جواب را در همان دعا می دهد. اما قبلاً باید راهنمای لازم را داشته باشیم تا در مسیر تنگ و باریک خدا (معیار خدا)، برداشت صحیح را آموخته باشیم. نباید آنچه مربوط به مسیر تنگ و باریک است را به سرنوشت دنیای از جلال افتاده سپرد. همه احتیاج دارند (اصل موضوع) راهنمایی لازم را در برداشت از روح القدس که درون خود دارند، داشته باشند. برداشت از روح القدس است که خواست خدا را بجای می آورد.

۲۱: زیرا در آن زمان چنان مصیبت عظیمی روی خواهد داد که مانندش از آغاز جهان تا کنون روی نداده، و هرگز نیز روی نخواهد داد.

تاریخ نویس آن زمان (فلاویوس جوزفوس) می نویسد، شهر اورشلیم را رومیان ۷۰ سال پس از مرگ و صعود عیسی، بکلی نابود کردند. مردم آن نواحی دچار قحطی، گرسنگی، طاعون، قتل، دزدی، و هر آنچه بتوان تصورش را کرد شده بودند. یهودیان را به حدی به صلیب کشیدند که دیگر درختی برای ساختن صلیب نبود. مجبور شدند تمام درختان اطراف شهر را قطع کنند. سرنوشت بسیار شومی نسبیشان شده بود. تاریخ هر چه خدا گفته را ثابت کرده. اما راه حل تمام مشکلات را نیز داده. حال موقع بهره گیری از فرمایشات اوست. روح القدس درون ما آنچه جوانه زده را خوراک می دهد تا رشد کند. ما روزانه با ارواح مختلفی روبرو می شویم. هر چه وقت با روح القدس درون خود بگذرانیم، بیشتر از وجود او برخوردار می شویم. تا آنجا که بتوانیم تمام لحظه های روز را با او نیز بگذرانیم. منظور دعای سنتی نیست. منظور راز و نیاز های لازم با اوست..... تا آنجا که سیر بشویم. اما باید توجه داشته باشیم که خدا بی نهایت است و در نتیجه ما همیشه گشنه برداشت از خدا خواهیم بود. در نتیجه، چه بهتر که او را بشناسیم و با او راه برویم.

۲۲: اگر آن روزها کوتاه نمی شد، هیچ بشری جان سالم به در نمی برد. اما به خاطر برگزیدگان کوتاه خواهد شد.

اگر مصیبت وارده، بیش از حد ادامه می یافت، برگزیدگان نیز دچار آن می شدند. حکم علیه همه بود، اما به خاطر برگزیدگان کوتاه خواهد شد. اهمیتی است که پدر به فرزندان می دهد. نه به بخاطر کاری که کرده اند، بلکه به اطاعتی که از او می کنند. اگر بخاطر برگزیدگان نبود، هیچ بشری جان سالم به در نمی برد.

متی ۲۴

۲۳: «در آن زمان، اگر کسی به شما گوید، "ببینید، مسیح اینجا است!" یا "مسیح آنجاست!" باور مکنید.
۲۴: زیرا مسیحان کاذب و پیامبران دروغین برخاسته، آیات و معجزات عظیم به ظهور خواهند آورد تا اگر ممکن باشد، حتی برگزیدگان را گمراه کنند.
۲۵: ببینید، پیشاپیش به شما گفتم.
۲۶: بنابراین اگر به شما بگویند، "او در بیابان است"، به آنجا نروید؛ و اگر بگویند، "در اندرونی خانه است"، باور مکنید.
۲۷: زیرا همچنانکه صاعقه در شرق آسمان پدید می آید و نورش تا به غرب می رسد، ظهور پسر انسان نیز چنین خواهد بود.
۲۸: هر جا لاشه ای باشد، لاشخوران در آنجا گرد می آیند.

۲۳: «در آن زمان، اگر کسی به شما گوید، "ببینید، مسیح اینجا است!" یا "مسیح آنجاست!" باور مکنید. کسانی که مقداری از همه چیز را قبول می کنند، اما در آخر، هیچ چیزی را از همه چیز قبول نخواهند کرد. گول دنیای هوس انگیز را خورده اند. آنکه خانه اش را بر سنگ بنا ساخت را به یاد دارید چه شد...؟! "پس هر که این سخنان مرا بشنود و به آنها عمل کند، همچون مرد دانایی است که خانه خود را بر سنگ بنا کرد. چون باران بارید و سیلها روان شد و بادها وزید و بر آن خانه زور آورد، خراب نشد زیرا بنیادش بر سنگ بود" (۷: ۲۴ و ۲۵). آنکه ایمان آورده ممکن است اوایل عمرش در خداوند تجربه نداشته باشد (که داشته اما بخاطر نمی آورد) و به آسانی گول بخورد، اما وقتی که تجربه دار شد، ممکن نیست گول بخورد. می دانید چرا...؟! چون خدا در دل او در حال کار است. روح القدس است که تشنگی برداشت از خدا را می دهد. اما هیچ موردی به مقدار مسائل و مشکلات زندگی ایجاد شده نیست، که این تشنگی را افزون سازد. به همین خاطر است که خدا فرموده، "ای برادران من، هر گاه با آزمایشهای گوناگون روبه رو می شوید، آن را کمال شادی بینگارید!" (یعقوب ۱: ۲). چرا...؟! چون امکان برداشت از بهشت خدا را پیدا کرده ایم. آن را کمال بدبختی نینگاریم. معمولاً مردم آن را کمال بدبختی می انگارند. دلیل علامت تعجب (!) آخر آیه به همین دلیل است. منظور اینست که چون ایمان آورده اید، دیگر مانند قدیم دعا نکنید و آن را در دست خدا بگذارید. عیسی روح القدس را برای ما آزاد ساخت تا خودش در ما زندگی نماید، نه کس دیگر. با آنکه در دل خود دارید مشورت کنید تا ببینید چکار باید بکنید، و چگونه آن را انجام بدهید.

برادر و خواهر مسیحی، خدا تجربیست، نه تصویری. بی ایمانان نیز عیسی را "می شناسند" و او را قبول ندارند. شناخت باید تبدیل به وجودتان بگردد تا تمام آنچه خدا برای زندگی شما فراهم ساخته را نیز به دست

آورید. خواست خدا برای هر یک از فرزندان ویژه خواص اوست. اوست که از عطیای خاص خود، و در شرایط خاص خود، آن را برای جلال نام خدا، بکار می برد. حال چگونه است که برکت مضاعف را نیز ما دریافت می داریم.....؟ چون او در دل خودمان است. ما با انجام خواست خدا هم خودمان را برکت می دهیم و هم خدا را. بدون تجربه، فرقی با مردم دنیا نخواهیم داشت. تمام این حرف ها بخاطر اینست که عیسی را هر یک تجربه کنیم نه آنکه تنها بدانیم. اگر تجربه داشته باشیم، امکان گول خوردن ما نزدیک به صفر است. اما، متأسفانه نوع دیگرش نیز برای همه هست.

۲۴: زیرا مسیحان کاذب و پیامبران دروغین بر خاسته، آیات و معجزات عظیم به ظهور خواهند آورد تا اگر ممکن باشد، حتی برگزیدگان را گمراه کنند.

بله ایمانداران نیز اگر ممکن باشد، گول خواهند خورد. چون مسیحی را مذهب می شناسند، و در دعا و رفتن به کلیسا ادامه می دهند. و می گویند عیسی جانش را برای ایشان داد! اشکال در کجاست.....؟ در پیام داده شده. پیام تجربه (روح القدس/تقدیس) داده نمی شود. کل پیام شنیدنی است (جنبه فکری دارد). در دست خودمان است که با آن چکار خواهیم کرد.....! در صورتی که خدا می گوید آن را خودتان انجام ندهید. دو یا سه نفر (کلیسا) را لازم دارد تا کار انجام یابد. جنبه روحانی دارد، نه عقلانی.

۲۵: ببینید، پیشاپیش به شما گفتم.

خواست که دارد هشدار می دهد. به چه کسی.....؟ به برگزیدگان. می گوید، آیات و معجزات عظیم به ظهور خواهند آورد. کسانی هستند که مردم را هیپنوتیزم می کنند. اختیار دیگری را بدست خود می گیرند. راهش را آموخته اند. شعبده باز هائی هستند که جادو می کنند. همه گول زنی و فریب کاریست. نباید از یاد ببریم، "چون زن دید که آن درخت خوش خوراک است و چشم نواز، و درختی دلخواه برای افزودن دانش، پس از میوه آن گرفت و خورد، و به شوهر خویش نیز که با وی بود داد، و او خورد" (پیدایش ۳: ۶). این بدبختی از ابتدا گریبانگیر انسان گردید و کماکان خواهد بود. خدا هشدار های لازم را نسبت به آنچه می بینیم، می چشمیم، و می شنویم را بما داده. کافیسست از تلفن خود استفاده کنیم و آیات مربوطه را جویا شویم. عیسی به ما می گوید، ببینید، پیشاپیش به شما گفتم.

۲۶: بنابراین اگر به شما بگویند، "او در بیابان است"، به آنجا نروید؛ و اگر بگویند، "در اندرونی خانه است"، باور نکنید.

صحبت از تله و طعمه ایست که مردم برای پیروان عیسی بکار می برند. اگر نمی توانند با حرفشان ما را فریب دهند، از هر راه دیگری که به فکرشان می رسد استفاده خواهند کرد. ببینید، پیشاپیش به شما گفتم. آنچه سنگر ماست، روح القدس است. او ما را دوباره به دنیا آورد، و امکان مقاومت را در برابر شریر خواهد داد. نباید فراموش کنیم، آنکه درون خود داریم کیست..... "اما چون روح راستی آید، شما را به تمامی حقیقت راهبری خواهد کرد؛ زیرا او از جانب خود سخن نخواهد گفت، بلکه آنچه را می شنود بیان خواهد کرد و از آنچه در پیش است با شما سخن خواهد گفت" (یوحنا ۱۶: ۱۳). اوست که عیسی را در ما پرورش می دهد..... "اما آن مدافع، یعنی روح القدس، که پدر او را به نام من می فرستد، او همه چیز را به شما خواهد آموخت و هر آنچه من به شما گفتم، به یادتان خواهد آورد" (یوحنا ۱۴: ۲۶). هر یک به خواست ویژه خداوند، شبیه عیسی می شویم. اما ابتدا باید راهنمای با اعتبار را داشته باشیم تا به درستی بتوانیم راه را پیدا کنیم. شناخت روحانیت در انسان ناگهانی نیست، بلکه رشد می کند. روح القدس تشنه کلامش است، و همیشه ما را به یاد خدا و آنچه گفته می اندازد. اینجا، نسبت به آنچه حس می کنیم هشدار می دهد. باید بیاد داشته باشیم.... اول قرن نهم تا ۱۰: ۲۳ می فرماید، "همه چیز جایز است" - اما همه چیز مفید نیست. «همه چیز رواست» - اما همه چیز سازنده نیست". معیار خدا با دنیا فرق دارد. آنچه برای یکی

از فرزندان رواست، ممکن است برای فرزند دیگر نباشد. قرار نیست همه همشکل به یکدیگر بشویم. هر یک فرزند ویژه خدا هستیم، و روح القدس است که به فرزندش می گوید چه برایش خوب است و چه نیست. تجربه است که آن را برایش افشا می نماید.

اگر به هر کسی بگوئید مشکلی دارید، سعی می کند راه حل را بگوید، اما آیا این کار، کار درستی است؟ اگر ایماندار هستید، می دانید که کلام خداست که چراغ پای ما است..... "کلام تو برای پاهای من چراغ، و برای راه من نور است" (مزمور ۱۱۹: ۱۰۵). هر یک راه خود را داریم، و در دعا با روح القدس درون خود، آن آیات را یافته و با راهنمای کلیسا در زندگی خود به اجرا می پردازیم. مانند رفتن بیمار نزد دکتر می باشد. دکتر خداست، دارو آیات کلام است، و هضم و شفا از روح القدس است.

۲۷: زیرا همچنانکه صاعقه در شرق آسمان پدید می آید و نورش تا به غرب می رسد، ظهور پسر انسان نیز چنین خواهد بود.

خدا را شکر برای آن روزی که عیسی را خواهیم دید (سپس سراغ آدم و حوا خواهیم رفت!). زمان آخر را عیسی گفت حتی او نمی داند کی خواهد بود. "هیچ کس آن روز و ساعت را نمی داند جز پدر؛ حتی فرشتگان آسمان و پسر نیز از آن آگاه نیستند" (مرقس ۱۳: ۳۲). اما هشدار لازم را به فرزندانش خواهد داد. عیسی ابتدا بخاطر نجات انسان به دنیا آمد، و تا زمانی که پیامش به همه نرسیده، وقت لازم داده خواهد شد. اما وقتی دوباره می آید، برای قضاوت خواهد بود. فرزندان را با خود می برد و دنیا و هر آنچه از جلال افتاده را خواهد سوزاند و از میان خواهد برد. دنیای پر جلالی را در پیش داریم. اما تا آن زمان....

۲۸: هر جا لاشه ای باشد، لاشخوران در آنجا گرد می آیند.

منظور از لاشه چیست.....؟ لاشه روحانی یعنی بی ایمان. کسی که نجات نیافته را نمی توان روحانی شمرد (باوجود آنکه اطلاعات زیادی در این زمینه دارد). شیطان روحانیت آدم را از میان برد. دستخوش تمایلات نفسانی خودش گردید. بخود می گوید، من حق دارم آنگونه که می خواهم زندگی کنم. یا می گوید، من می دانم راه خدا درست است، اما نمی توانم انجامش بدهم. کاملاً درست است. کلیسا را خدا برای همین ساخت. ما را یاری می کند تا آنچه کلام گفته را انجام رسانیم، و برکت آن را بدست آوریم. این حق ماست، نه آنچه در دنیا رایج می باشد. جنبه روحانی دارد، نه عقلانی.

متی ۲۴

۲۹: «بلافاصله، پس از مصیبت آن روزها
»خورشید تاریک خواهد شد و ماه دیگر نور نخواهد افشاند؛
ستارگان از آسمان فرو خواهند ریخت،
و نیروهای آسمان به لرزه در خواهند آمد.»
۳۰: آنگاه نشانه پسر انسان در آسمان ظاهر خواهد شد
و همه طوایف جهان بر سینه خود خواهند زد،
و پسر انسان را خواهند دید که با قدرت و جلال عظیم
بر ابرهای آسمان می آید.

۲۹: «بلافاصله، پس از مصیبت آن روزها» «خورشید تاریک خواهد شد و ماه دیگر نور نخواهد افشاند؛ ستارگان از آسمان فرو خواهند ریخت، و نیروهای آسمان به لرزه در خواهند آمد».

توجه داشته اید که خدا چه می گوید؟ خدا دائمی است، ولی دنیا نه، چرا.....؟ چون شرارت زمان نوح دوباره در حال شکل گرفتن است. اما این بار آنچه می شناسیم از میان خواهد رفت، و دنیای دیگری را خدا برای ما خواهد ساخت. اما در اینجا است که ما را برای آینده آماده می سازد. زندگی ما در این دنیا، پله ای است به جانب زندگی دیگر ما. خدا همیشه در کار است تا ما را آنگونه که خود می خواهد بسازد، "برادران من، چه سود اگر کسی ادعا کند ایمان دارد، اما عمل نداشته باشد؟ آیا چنین ایمانی می تواند او را نجات بخشد؟" (یعقوب ۲: ۱۴). خیر، ایمان از تجربه بدست می آید، نه تصور یا افکار. خدا به آنکه کلام را می شنود ولی انجامش نمی رساند می گوید، "زیرا هر کس که کلام را می شنود اما به آن عمل نمی کند، به کسی ماند که در آینه به چهره خود می نگرد و خود را در آن می بیند، اما تا از برابر آن دور می شود، از یاد می برد که چگونه سیمایی داشته است" (یعقوب ۱: ۲۳ و ۲۴). چرا از یاد می برد.....؟ چون ریشه ندارد. جزء بدن نشده. تقصیر با کیست....؟ با کلیسا! کلیسا وظیفه دارد خدا را به هر که پای در آن می گذارد، مطابق با کلام هدایت نماید. شبان و خادمین را خدا به همین خاطر برای ما فراهم ساخته. اما اگر نخواهیم، نکوبیم، و نجوئیم، بدست نخواهیم آورد. خادمین بما کمک می کنند، اما روح القدس درون ما است که کار را انجام می دهد و رضایت ما را ایجاد می سازد. در مسائل و مشکلات زندگی است که روح القدس ما را یاری می دهد تماس با او را بدست می آورد. داشتن تماس با روح القدس برای فرزندان خدا اهمیت بسیاری دارد. اوست که تماس ما را با خدا ایجاد می سازد.

در آن روز پایانی، قضاوت خدا بر دنیا جاری خواهد شد و دست شیطان باز خواهد ماند. اما آنکه روح القدس را در خود دارد، هشدار را خواهد شنید (اگر با ندایش آشنا شده باشد)، و راه فرار را خواهد دانست. هشدار خدا در این مورد چه فایده ای دارد.....؟ مگر ما می توانیم جلوی آن را بگیریم.....؟ به همان خاطر که می گوید نگران آنچه خواهید گفت نباشیم، "وقتی شما را بازداشت می کنند، نگران نباشید که چگونه پاسخ دهید یا چه بگویید، زیرا کلمات مناسب به موقع به شما عطا خواهد شد" (۱۰: ۱۹). روح القدس خدا است در ما. حیات نو نیز امکانیست برای خداگانگی. حال که دنیا بر خلاف ماست، و آینده نیز بدتر از این خواهد شد، چکار باید کرد.....؟ خود را با روح القدس که در خود داریم آشنا ساخته و با او مصاحبت داشته باشیم. بیاد داشته باشید، شیطان ممکن است جان ما را بگیرد، اما روح القدس در ما را نمی تواند از ما بگیرد.

۳۰: آنگاه نشانه پسر انسان در آسمان ظاهر خواهد شد و همه طوایف جهان بر سینه خود خواهند زد، و پسر انسان را خواهند دید که با قدرت و جلال عظیم بر ابرهای آسمان می آید.

نشانه پسر انسان چیست.....؟ نور حیات. زیرا همچنانکه صاعقه در شرق آسمان پدید می آید و نورش تا به غرب می رسد، ظهور پسر انسان نیز چنین خواهد بود (۲۷). اما پس از صاعقه، صدای خطرناکی به گوشمان می رسد. می گوید این نشانه آخر زمان است. عیسی دوباره خواهد آمد تا برادران خود را از این حلاکت نجات بدهد. اگر آن روزها کوتاه نمی شد، هیچ بشری جان سالم به در نمی برد. اما به خاطر برگزیدگان کوتاه خواهد شد.

۳۱: او فرشتگان خود را با نفیر بلند شیپور خواهد فرستاد و آنها برگزیدگان او را از چهار گوشه جهان، از یک کران آسمان تا به کران دیگر، گرد هم خواهند آورد.

۳۲: «حال، از درخت انجیر این درس را فرا گیرید: به محض اینکه شاخه های آن جوانه زده برگ می دهد، درمی یابید که تابستان نزدیک است.

۳۳: به همین سان، هر گاه این چیزها را ببینید، درمی یابید که او نزدیک، بلکه بر در است.

۳۴: آمین، به شما می گویم، تا این همه روی ندهد، این نسل از میان نخواهد رفت.

۳۵: آسمان و زمین زایل خواهد شد، اما سخنان من هرگز زوال نخواهد پذیرفت.

۳۱: او فرشتگان خود را با نفیر بلند شیپور خواهد فرستاد و آنها برگزیدگان او را از چهار گوشه جهان، از یک کران آسمان تا به کران دیگر، گرد هم خواهند آورد.

دوم تسالونیکیان ۲ را بخوانید تا بیشتر از روز بازگشت عیسی مسیح آگاه شوید. آنچه قابل توجه می باشد آیه ۱۳ می فرماید، "اما ای برادران که محبوب خدايید، ما باید همواره خدا را به خاطر وجود شما شکر گوئیم، زیرا خدا شما را از آغاز برگزید تا به واسطه عمل تقدیس کننده روح و ایمان به حقیقت نجات یابید". عمل تقدیس کننده چگونه بوجود می آید.....؟! از طریق کلام و روح القدس. آنگونه که مثال آوردیم، کلام داروست، و روح القدس هضم کننده آن. تقدیس اساس خواست خداست. پیام نجات بخاطر تقدیس است. خدا می گوید، "بلکه همچون آن قدّوس که شما را فرا خوانده است، شما نیز در همه رفتار خویش مقدّس باشید؛ چرا که نوشته شده است: «مقدّس باشید، زیرا من قدّوسم»" (اول پطرس ۱: ۱۵ و ۱۶). قدوسیت از خداست، و شیطان هیچ صدمه ای را نمی تواند به او بزند.

نفیر بلند (شوفار)، آن شیپوری بود که مردم را به وقت خدا آگاه می نمود. در وقت های معین، شیپور علامت گرد هم آئی مومنین بود. زمان برگشت دوباره عیسی نیز اینگونه خواهد بود، و ما فرزندان خدا همه (بدون استثنا) صدای عیسی را خواهیم شنید و در یک جا گرد هم خواهند آورد. حال چرا گرد هم.....؟! چون دیگر مجبور به زندگی در دنیای از جلال افتاده نخواهیم بود. "اما آنان که شایسته رسیدن به عصر آینده و قیامت مردگان محسوب شوند، نه زن خواهند گرفت و نه شوهر خواهند کرد، و نه دیگر خواهند مرد؛ زیرا مانند فرشتگان خواهند بود. آنان فرزندان خدایند، چرا که فرزندان قیامتند" (لوقا ۲۰: ۳۵ و ۳۶)

شیطان به اوج قدرت خود می رسد و دجال ظاهر می گردد و دیگر جای امنی برای برگزیدگان نمی ماند. "اگر آن روزها کوتاه نمی شد، هیچ بشری جان سالم به در نمی برد. اما به خاطر برگزیدگان کوتاه خواهد شد." (۲۲).

۳۲: «حال، از درخت انجیر این درس را فرا گیرید: به محض اینکه شاخه های آن جوانه زده برگ می دهد، درمی یابید که تابستان نزدیک است.»

درخت انجیری که میوه نداشت را در فصل ۲۰ مشاهده کردیم. این بار درخت انجیر نشانه آمدن دوباره عیسی است. میوه انجیر شبیه بسیاری از خصوصیات روحانی خدا شمرده می شد، از شیرین بودن تا حکمت زندگی، و مثالی برای نشان دادن فواید برداشت از پیامش بود. موضوع شناخت جنبه روحانی زندگی است. می خواهد درک بکنند که روح خدا تجربیست، نه شنیدنی. اگر نخواهند، نکوبند و نجویند، بدست نخواهند آورد. کوشش شخص را لازم دارد. ما که نجات یافته ایم نیز می گوید باید کوشش کنیم. چرا.....؟ چون شیطان هنوز پای بر جاست. به مرخصی نرفته! روح القدس از کلامش استفاده می کند تا نجات ما شامل خصوصیات خدا بگردد. طبیعت نو را که داده به همین خاطر است. اما شیطان می گوید آنچه شنیده ایم را اگر با فهم خود تصور کنیم، آن را برداشت کرده ایم. اینطور نیست!! خدا افکار و تصورات ما را نمی خواهد. آیا تا بحال خدا از شما سوالی پرسیده؟ خیر، خدا نور است و ما در تاریکی به دنیا آمدیم. ما هستیم که نیاز به او داریم. حیات ما بستگی به او دارد. در نتیجه، از هر امکانی باید استفاده کرد تا از خصوصیات خدا بهره مند گردید. نان روزانه ما فراهم شده. برداشت از آن دست خودمان است. اطمینان داریم که فرزندان خدا رشد روحانی خود (تماس با روح القدس) را در اولویت اهداف زندگی خود قرار خواهند داد. چون در این صورت است که به آنچه می گذرد و خواهد گذشت، آگاه خواهند شد. خدا از طریق روح القدس با ما صحبت می کند. باید با صدای او آشنا شد.

۳۳: به همین سان، هر گاه این چیزها را ببینید، درمی یابید که او نزدیک، بلکه بر در است.

تخمی که بر زمین کاشته می شود، تبدیل به درختی می گردد که فصل اندر فصل میوه می آورد. حیات خدا اینگونه است. اگر آنچه بر ما می گذرد مطابق با خواست خدا باشد، در حال میوه آوردن هستیم. اما ابتدا ما مصرف کننده بودیم، و پس از برداشت شخصی (تجربه)، نیازمان کمک به کسانی می گردد که چنین مسائلی را دارند. اینگونه است که فصل اندر فصل خدا در فرزندان میوه می آورد. دنیا در گرداب جهنم قرار گرفته، و زمان کوتاهی مانده که از میان برود. حیات ما (حیات نو) نیز در این دنیا کوتاه است، و باید کمال استفاده از آن را بکنیم. هر چه برداشت می کنیم، خود مشوق برداشت بیشتر از آن نیز می شویم. روح القدس است که در ما در کار است. اگر در تمام لحظات روزانه زندگی، او را در خود ببینیم (کلام/روح القدس/عیسی/پدر)، آنوقت است که می دانیم در خاست او می باشیم. اما اگر اینطور نیست، آغوش خدا باز است، و بقول معروف.... هر موقع ماهی را بگیریم تازه است. عیسی در متی ۳: ۱۲ گفته بود، "او آماده است تا با چارشاخ خود، کاه را از گندم جدا سازد. سپس خرمنگاه خود را پاک ساخته، گندم را در انبار جمع خواهد کرد، اما کاه را در آتشی خاموش نشدنی خواهد سوزاند".

۳۴: آمین، به شما می گویم، تا این همه روی ندهد، این نسل از میان نخواهد رفت.

منظور از این نسل چیست.....؟ آنچه از ابتدای نسل انسان در کلام خوانده ایم، تا به آنچه منجر خواهد شد، این نسل خداست. ابدیت فرزندان خدا را نشان می دهد. بله نسل دیگری وجود خواهد داشت، و ما را خدا برای خدمت در آن نسل نو آماده می سازد. خدا بی نهایت است، و برنامه های او نیز همچنین. خدا را شکر.

۳۵: آسمان و زمین زایل خواهد شد، اما سخنان من هرگز زوال نخواهد پذیرفت.

آنکه نجات یافته به این حقیقت شهادت می دهد. اما بسیاری هنوز دریافت نکرده اند. می گوید، "اکنون تیشه بر ریشه درختان گذاشته شده است. هر درختی که ثمره نیکو نیاورد، بریده شده، در آتش افکنده خواهد شد" (۳: ۱۰). تا زمانی که پیام به همه نرسیده، باید مشغول به کار باشیم. هر چند که مانند پولس، "زیرا بین این

دو سخت در کشمکشم: چرا که آرزو دارم رخت از این جهان بر بندم و با مسیح باشم، که این به مراتب بهتر است؛ اما مانندم در جسم برای شما ضروریتز است" (فیلیپیان ۱: ۲۳ و ۲۴).

متی ۲۴

۳۶: «هیچ کس آن روز و ساعت را نمی داند جز پدر؛ حتی فرشتگان آسمان و پسر نیز از آن آگاه نیستند.
۳۷: زمان ظهور پسر انسان مانند روزگار نوح خواهد بود.
۳۸: در روزهای پیش از توفان، قبل از اینکه نوح به کشتی درآید، مردم می خوردند و می نوشیدند و زن می گرفتند و شوهر می کردند
۳۹: و نمی دانستند چه در پیش است.
تا اینکه توفان آمد و همه را با خود برد.
ظهور پسر انسان نیز همین گونه خواهد بود.
۴۰: از دو مرد که در مزرعه هستند، یکی برگرفته و دیگری واگذاشته خواهد شد.
۴۱: و از دو زن که با هم دستاس می کنند، یکی برگرفته و دیگری واگذاشته خواهد شد.
۴۲: پس بیدار باشید، زیرا نمی دانید سرور شما چه روزی خواهد آمد.
۴۳: این را بدانید که اگر صاحبخانه می دانست دزد در چه پاسی از شب می آید، بیدار می ماند و نمی گذاشت به خانه اش دستبرد زنند.

۳۶: «هیچ کس آن روز و ساعت را نمی داند جز پدر؛ حتی فرشتگان آسمان و پسر نیز از آن آگاه نیستند. منظور چیست.....؟! وقت کم است. وقتی خدا این مطالب را به ما می گوید، منظورش استفاده از آن است. تا وقت باقیست، باید استفاده از آن برد و هر چه می توانیم بدست آوریم و هر چه بدست آورده ایم را پخش نمایم. در انجام خواست خداست که رضایت حاصل می گردد. زندگی ما در این دنیا، آزمایشی است برای زندگی دیگری که در نسل بعدی خواهیم داشت. حیات جاودان تنها در روح نیست، بلکه آفرینش است. خدا خالق است، و همیشه در کار است. زمانی ما از کارش سر در میاوریم، که با او راه برویم، خوراک بخوریم، و لذت ببریم. هر چه برداشت می کنیم، بهشتیست، و هر چه بهشت در ما توسعه یابد، یعقوب ۱: ۴ می فرماید، "اما بگذارید پایداری کار خود را به کمال رساند تا بالغ و کامل شوید و چیزی کم نداشته باشید". هدف این است، چیزی کم نداشته باشید. البته منظور بهشت خیالی نیست. همه با مسائل و مشکلات زندگی روبرو هستیم، و روز به روز نیز ضعیفتر می شویم. منظور استفاده از این موقعیت هاست. هر یک می توانند پله دیگری به سوی خدا گردند. پدر منتظر است همه پیامش را شنیده باشند. و حال زمان آن فرا رسیده، "او آماده است تا با چارشاخ خود، کاه را از گندم جدا سازد. سپس خرمنگاه خود را پاک ساخته، گندم را در انبار جمع خواهد کرد، اما کاه را در آتشی خاموش نشدنی خواهد سوزاند»" (۳: ۱۲). صحبت از آینده است، و چگونه خود را برای آن آماده می سازیم. با گرفتاری های سر راه چه باید کرد.....؟! زمانی که روح القدس توانائی لازم را بدهد، آن را از سر راه بر می داریم. اگر نه، با کلیسا در میان می گذاریم. البته در هر دو صورت، ما هستیم که باید دریافت کنیم. و هر یک زمان کافی خود را لازم می داریم. اینگونه نیست که

بخواهیم و دریافت کنیم. شیطان نمی گذارد. باید بخواهیم، بگوئیم، بجوئیم و..... صبر کنیم. دکتر، دارو، و هاضم را در اختیار داریم. حال موقعیت های زمانه خودمان است که چگونه از آن استفاده می کنیم. اما هیچ وقت مسائل و مشکلات را بی اهمیت نمی شماریم. باید بدانیم چه بود، و چرا اینطور شد تا بتوانیم مسئله را حل کنیم. خدا درون دل ماست، و با اوست که حساب زندگی خود را داریم. اوست مسئول زندگی روحانی ما. توبه عهد قدیم، در عهد جدید با مشارکت روح القدس و کلامش انجام می گردد. کلامی که مربوط به هر موضوعی هست را می شکافیم، و می خوریم، و روح القدس در ما آن را هضم و جودمان می نماید. این خوراک روحانی حد و حساب ندارد. و ما را خوانده تا می توانیم از این عصاره حیات برداشت نمائیم. مفت چنگ است. اما چنگ را باید زد، و پایداری را فراموش نکرد.

۳۷: زمان ظهور پسر انسان مانند روزگار نوح خواهد بود.

داستان نوح را می توانیم در پیدایش ۶ تا ۹ بخوانیم. می گوید، "و این است تاریخچه نسل نوح. نوح مردی بود پارسا و در روزگار خویش بی عیب. نوح با خدا راه می رفت" (۶: ۹). چگونه است که نوح با خدا راه می رفت.....؟! روح القدس. روح است که انسان را به حرکت می آورد. آنکه انسان را در راه خدا به حرکت در می آورد، روح القدس است. اما جز او و خانواده او، بقیه مردم دنیا روح شیطان را پی روی می کردند، و جای سالمی برایشان باقی نمانده بود.

۳۸: در روزهای پیش از توفان، قبل از اینکه نوح به کشتی درآید، مردم می خوردند و می نوشیدند و زن می گرفتند و شوهر می کردند

می گوید، مردم می خوردند و می نوشیدند و زن می گرفتند و شوهر می کردند. مگر خوردن و نوشیدن و ازدواج کردن کار درستی نیست؟ پس چرا خدا با آنها مخالف بود.....؟! چون استفاده نا درستی از آن شده بود (اگر احساس انسان راه زندگی را بدست گیرد، انسان حلاک می شود، "پیش روی انسان راهی هست که در نظرش درست می نماید، اما در آخر به مرگ می انجامد") (امثال ۱۴: ۱۲).

احساسات انسان ابتدا مخالف خداست. پس از انجام مداوم خواست خدا (از قصد) می باشد که احساسات روی به آن می آورد و موافق با آن می گردد. پایداری را خدا به همین منظور لازم دانسته است. مانند ازدواج زن و شوهر می ماند، که از قصد موافق با هم می گردند تا یکی بشوند. تغییر از درونشان انجام می گیرد. اما ابتدا با زور. در ابتدا لازم می دارند بسیاری از ناخوشایندی های پیش آمده میان یکدیگر را نادیده بگیرند. زحمت و احساس بدی را ایجاد می سازد، اما..... بخاطر ارزش بیشتری که از دواج دارد، آنها را نادیده می گیریم. با پایداری در راه هدفی که داریم (از دواج) احساس ناموافقی که داریم، تغییر کرده و موافق آن می گردد. با گذشت زمان نیز بقدری موافق با هم می گردیم که حاضریم جانمان را فدای یکدیگر کنیم.....! این انعطاف پذیری احساسات را نشان می دهد. نوعی احساس ناسالم هست که ما را به نابودی می کشاند، و نوع سالم آن مُدّ حیات ماست. غلاطیان ۵: ۱۹ تا ۲۱، عناوین گناهان را نام می برد که احساس ناسالم باعث (بانی/جاذبه/میل) آنها می گردد. باید بیاد داشته باشیم که از ابتدا، "چون زن دید که آن درخت خوش خوراک است و چشم نواز، و درختی دلخواه برای افزودن دانش، پس از میوه آن گرفت و خورد، و به شوهر خویش نیز که با وی بود داد، و او خورد" (پیدایش ۳: ۶). خوردن همان برداشت روحانی است. همه چیز جنبه روحانی (منحصر) خود را دارد (خدا جسم را آفرید). هر روز ما با خوردن یا نخوردن روح های مختلف روبرو می شویم. بیاد داشته باشید که ما توانای برداشت را از هر دو روح داریم، ولی البته آنچه از خداست را قبول می داریم و به دل می گیریم و در دست خدا می مانیم. اگر تهمت بدی را از کسی، نسبت به شخص دیگر می شنوید، قبول ندارید و به دل نمی گیرید، چرا.....؟! چون او حضور ندارد از خود دفاع کند. "شهادت تنها یک تن علیه کسی، برای اثبات هیچ جرم یا گناهی، از هر قبیل کار خلاف که شخص مرتکب شده باشد، کافی نیست. به گواهی دو یا سه شاهد هر سخنی ثابت خواهد شد" (تثنیه ۱۹: ۱۵). البته

امروزه موضوع مسائل میانفردی (روحانی) فرزندان خدا به گونه و خواست خدا در کلیسا انجام می گیرد و به منافع همه می انجامد (متی ۱۸: ۱۵ تا ۲۰). اگر تلاش کنیم روح القدس را هر روز در خود شناسائی کنیم، امکان دارد بیشتر با او راه برویم. و راه رفتن با اوست که صبح ما را بیدار می کند و به روزگارمان رسیدگی می کند. اوست که مجری فرامیشتات دل ماست. حال که دل به خدا داده ایم، خدا را شکر برای ما، همدیگر را نهایتاً خواهیم دید. آمین.

مورد دیگری که لازم به تذکر می باشد اینست، که دنیا روح دارد و تقریباً همه با روح آشنا هستند. دنیا به آن می گوید روحیه. می گویند آن شخص روحیه خوبی دارد، ولی دیگری روحیه بدی دارد. در صورتی که روح خوب و بد، مربوط به روحی است که در دنیا رایج است. در روح القدس نه خوب است و نه بد. تغییر نمی کند. میانه ای نیست. مطلق است. معیارش یکبیت. اما راهش در این دنیا انعطاف پذیر است (تنگ و باریک). محدود به کلامش و روح القدسی که آن را بکار می گیرد می باشد. دل گناه آلود و جهنم پیشه را تبدیل به دل پر محبت و بهشت پیشه می نماید. برادر و خواهر عزیز... آینده ما در بهشت است و خدا هر یک از ما را برای آن دارد پرورش می دهد. هر چه زودتر به این حقایق پی ببریم، کمتر دستخوش روحیه ضد و نقیض دنیا خواهیم شد.

بیاد داشته باشیم، اول قرن نهم تا ۱۰: ۲۳ می فرماید، **«همه چیز جایز است» - اما همه چیز مفید نیست.** «همه چیز رواست» - **اما همه چیز سازنده نیست.** معیار خدا با آنچه ما با آن به دنیا آمدیم فرق دارد. این واقعه را یادتان هست؟ **«استاد، چه کار نیکویی انجام دهم تا حیات جاویدان داشته باشم؟»** (۱۹: ۱۶). با کارشان (چه کار) می خواهند لطف خدا را مبادله کنند. متوجه شدید عیسی را "نیکو" می خوانند. **«عیسی گفت: «چرا از من درباره کار نیکو می پرسی؟ فقط یک نفر هست که نیکوست. ولی در جوابت باید بگویم که اگر احکام خدا را نگاه داری، زندگی جاوید خواهی داشت».** عیسی آنچه نیکو شمرده می شود را رد کرد. بله مذهب دارای روحانیت، شفا، نیکوئی، و هر چه بخواهید را نیز، دارد. حتی نام خدا را نیز بر سرشان دارند و می پرسند! پس فرق چیست؟ فرق در میوه آورده می باشد. انسان ممکن است کسی را گول بزند (بیشتر خودش را)، اما خدا را نه. شکی در آن نیست و نباید باشد.

خدا می خواهد ما را شبیه به عیسی کند. او نیز در سی سالگی آغاز به کار کرد. ما نتیجه آنرا بدست آورده ایم. اما هر یک از ما نیز، در نتیجه نهائی خدا نقش داریم **«تا جایی که حتی بیماران را به میدانهای شهر می آوردند و آنان را بر بسترها و تختها می خواباندند تا چون پطرس از آنجا می گذرد، دست کم سایه اش بر برخی از آنان افتد»**!.....! (اعمال ۵: ۱۵). بله برادر و خواهر مسیحی، نباید خود را هژیر و ناشایست بشماریم. چون مجانی بوده، بنظر کم ارزش می ماند. اما گول شیطان بی فایده است. آنچه ما داریم حیات جاویدان در پیشگاه خالقمان است که بزودی خواهد آمد تا ما را با خود پیش پدر آورد. ما او را چشیده ایم و از تجربه شخصی خود صحبت می کنیم.

حال چگونه پطرس در آن زمان هدیه شفا را داشت؟ همه فکر می کنند چون دانش بسیار داشت (تمام کلام را لا اقل یک بار خوانده بود..!) و به این هدیه دست یافته بود. هر یک از ایمانداران (فرزندان خدا) هدایای خود را درون دل (از بنیاد) خود بدست آورده اند و برایشان مکشوف خواهد شد. هدایای ما..... راه خدا را در زندگی پیش می برند. ما را با خصوصیات استفاده و بهره گیری از هدایا آشنا می سازند. البته هر کاری ابتدا با مشکلات خود روبرو است، ولی پس از اجبار به ادامه، کار آسان می گردد..... جنگ طبیعت جدید با طبیعت قدیم است. اولین روزی که پشت فرمان اتموبیل نشستید را بخاطر آورید. با ترمز - گاز - دنده - نگاه به جلو - نگاه عقب - هزار مشکل دیگر روبرو بودید. حال..... در موقع رانندگی می توانید موضوع تثلیث اقدس را تفسیر نمائید! چه شد.....؟ شما انعطاف پذیر است. وقتی دل سنگی انسان تبدیل به دل گوشتی می گردد، بقدری انعطاف پذیر می گردد که مانند عیسی تحمل هر مشکلی را دارد. کلام خدا می فرماید، **«آن که بر نفس خود مسلط نباشد، شهری بی حصار را ماند که بدان رخنه کرده باشند»** (امثال ۲۵: ۲۸). و در جای دیگر می گوید، **«به زودی، دنیا به پایان خواهد رسید. پس فکر خود را پاک سازید و خویشتندار**

باشید تا بتوانید دعا کنید" (اول پطرس ۴: ۷ قدیم). **خویشنداری** یکی دیگر از صفات خداست. احساسات را مهار کرده بکار می گیرد. معیار (کلام) خدا را به ذهن می آورد و هدف را تعیین (امر) می نماید. ابتدا ممکن است مانند کوهی بر سر راه باشد. اما مثل عیسی باید به آن کوه گفت از جلوی راه کنار برود. چطور.....؟! **آیاتی که مربوط به آن کوه می باشند را کنار گذاشته و آنها را عمیقاً مطالعه می کنیم تا ببینیم چه ربطی به ما دارند. روح القدس در ما، کلام را آنگونه که نیازمان است، در ما هضم می نماید. خودمان متوجه برداشت خود می شویم. هر کس به وقت لازم خویش. اما، شرط اینست که انتظارمان باید از روح القدس درون خودمان باشد که جواب را بما بدهد. البته دو یا سه نفر باید در آن مورد همفکر بوده باشند....** ولی ما هستیم که تجربه را دریافت می کنیم نه آنکه نظر کسی را می شنویم. تمام این تجربیات نیز همان پرورشی است که خدا برای آینده ما در نظر گرفته است. **هدف همه چیز... حیات ابدی است. حیات ما تنها در این دنیا نیست. ما را خدا برای حیات دیگری که در پیش داریم، در این دنیا آماده می سازد. خدا می گوید، "اگر تنها در این زندگی به مسیح امیدواریم، حال ما از همه دیگر آدمیان رقت انگیزتر است"** (اول قرنیتان ۱۵: ۱۹). ما محدود به این بدن و زندگی که در آن داریم، **نباید باشیم.** آنچه شخص درون ما می باشد همیشه زنده و سالم خواهد ماند. ما با بدن از جلال افتاده به دنیا میائیم. این بدن تا زمانی زنده است که خدا را در خود پرورش داده باشد. **آنوقت، مانند بقیه می میریم. اما..... خلاف بقیه، سپس آنچه کار خدا بوده را در بدن جلال یافته، و در دنیای جلال یافته، بکار خواهیم برد. بله در این دنیا کمی از آنچه بهشت می باشد را می چشیم. اما وقتی فکرش را می کنیم که تقریباً می توان گفت ما تبدیل به فرشته خدا خواهیم گردید، هم عجیب است و هم امکان پذیر. فراموش نکنیم خدا گفته، "زیرا فکری را که برای شما دارم می دانم، که فکرهای سعادت مندی است و نه تیره بختی، تا به شما امید بخشم و آینده ای عطا کنم؛ این است فرموده خداوند"** (ارمیا ۲۹: ۱۱). ما آنچه می خوانیم را در همه عهد های روحانی ملکوت خدا، مربوط و بکار می بریم. همانگونه که در زمان نوح در روزهای پیش از توفان، قبل از اینکه نوح به کشتی درآید، مردم می خوردند و می نوشیدند و زن می گرفتند و شوهر می کردند و بنظر می رسید خوشبختی بلاخره در سراسر جهان فرا خواهد رسید، ناگهان..... او فرشتگان خود را با نفیر بلند شیپور خواهد فرستاد و آنها برگزیدگان او را از چهار گوشه جهان، از یک کران آسمان تا به کران دیگر، گرد هم خواهند آورد." (۳۱). البته تنها تصورش را می توان کرد، اما همانگونه که به ابتدای ایمان خود فکر می کنیم، می بینیم که رشد روحانی و جسمی در کار بوده. تخم کاشته شده و در ما جوانه زده است. تخم زنده ایست که در خاک مرده، حیات جدیدی را جوانه زده است. همه چیز را نو می کند، در مکاشفه ۲۱: ۵ می خوانیم، "سپس آن تخت نشین گفت: «اینک همه چیز را نو می سازم.» و گفت: «اینها را بنویس زیرا این سخنان در خور اعتماد است و راست است.»".

۳۹: و نمی دانستند چه در پیش است. تا اینکه توفان آمد و همه را با خود برد. ظهور پسر انسان نیز همین گونه خواهد بود.

منظور فرصت کم است. زمانیست که باید از جوانب روحانی خود آگاه باشیم. از آنچه خدا تا به امروز در ما کار کرده پرده برداریم. هر چه است اهمیت زیادی دارد، چون آنچه گذشت ادامه دارد، و جلال خدا را نشان می دهد.

می گوید ناگهانی خواهد بود. شما را نمی دانم، ولی زمانی را که من می بینم و می گذرانم، بسیار نزدیک به آمدن او می باشد. دست رسی جهانی به بمب اتم نشانه خوبی است. اما..... نگران نباشید، ناگهان..... "او فرشتگان خود را با نفیر بلند شیپور خواهد فرستاد و آنها برگزیدگان او را از چهار گوشه جهان، از یک کران آسمان تا به کران دیگر، گرد هم خواهند آورد." (۳۱). بله دنیا خود را روزی از میان خواهد برد، اما قبل از آن باید ما را آنگونه که می خواهد شبیه به عیسی نماید. روح القدس شبانه روز در ما در کار است. بدون آنکه متوجه باشیم نیز در کار است. اما..... می خواهد از قصد متوجه او بشویم. اوست که صاحب زندگی ما شده و ما را حرکت می دهد. حال همه چیز را از قصد در اختیار روح القدس قرار می دهیم، تا او

حرکت لازم را نشان داده و اجرا نماید. در اوست که خواست، و توانائی بدست آوردن موجود است. ببینید خدا راجع به وقایع امروز چه می گوید، "حسرت چیزی را می خورید، اما آن را به دست نمی آورید. از طمع مرتکب قتل می شوید، اما باز به آنچه می خواهید نمی رسید. جنگ و جدال بر پا می کنید، اما به دست نمی آورید، از آن رو که درخواست نمی کنید!". بله تنها راه نجات در عیسی است و بس. دنیا بیش از پیش تشنه آن است. زمانه را در نظر داشته باشیم.

۴۰: از دو مرد که در مزرعه هستند، یکی برگرفته و دیگری واگذاشته خواهد شد.

۴۱: و از دو زن که با هم دستاس می کنند، یکی برگرفته و دیگری واگذاشته خواهد شد.

بسیاری این آیات را در جنبه جسمانی می بینند (در مزرعه، دستاس می کنند). اما عیسی جنبه روحانی آن را با این مثال می خواهد نشان دهد. ما فکر نمی کنیم روزی ناگهان کسی غیب خواهد زد و ما می مانیم! من شنیدم دلیل آنکه دو خلبان در یک هواپیما هستند به همین دلیل است. خدا را شکر. اما برادر و خواهر مسیحی، خدا میان ما فرق نمی گذارد. هر که نجات یافته فرزند خداست و جایش در بهشت می باشد. این پایه و اساس پیام خدا و ایمان ماست. میان این دو، یکی ایماندار بود و دیگری ایماندار نبود. و در بازگشت عیسی، یکی می ماند و دیگری با او زیست خواهد نمود. تمام. هر یک از ما زندگی خدا را در خود داریم، با یکدیگر مقایسه نمی کنیم. چرا.....؟ چون هر یک خواست ویژه خدا را در خود داریم. هدایای ما و طریق استفاده از آنها، با هم کاران خود فرق می کند. همه مکمل راه دیگری هستیم. خدا می گوید، "پایان همه چیز نزدیک است؛ پس جدی و در دعا منضبط باشید. مهمتر از همه، یکدیگر را به شدت محبت کنید، زیرا محبت، انبوه گناهان را می پوشاند" (اول پطرس ۴: ۷ و ۸).

۴۲: پس بیدار باشید، زیرا نمی دانید سرور شما چه روزی خواهد آمد.

پس بیدار باشید، یعنی چه.....؟ یعنی با روح القدس در خود در تماس باشید. روح القدس همان خداست که می گوید حواستان با من باشد. خبر آمدن عیسی را روح القدس قبلاً بما می دهد. هنوز نیامده، ولی از آمدن او با خبر خواهیم بود، و در جمیع ایمانداران، ملکوت خدا را تشکیل خواهیم داد. باید همان قدر که به نجات خود اطمینان داریم، همان قدر به آینده خود نیز اطمینان داشته باشیم. بما می گوید، پس بیدار باشید. شما مال این بدن و دنیائی که در آن زندگی می کنید نیستید، خریداری شده اید برای خدمت در دنیای دیگر. حیات جاودان است چون خدا جاودان است. از اینجا آغاز می شود. جوانه رشد می کند و عیسی تازه ای را می سازد. البته ما نیز در آن شریک هستیم. باید بخواهیم، بگوئیم، و بجوئیم. چرا.....؟ چون شیطان است که باید بیرون رود تا جایش را خدا پر کند. اما همان خدا گفته بدست خواهید آورد. همانکه دو یا سه نفر در موردی همفکر باشند، روح القدس توانائی انجام معجزه را خواهد داشت (چه رسد به حل مشکل ما). حقیقت آشکار است، اما هضم آن وقت لازم خود را می خواهد. باید مکرر از خدا خواست. به کسانی که می گویند یک بار دعا کردن کافیهست، گوش ندهید. مخالف ما شیطان است که از درون ما را نا سالم ساخته، و راه دیگری نیست جز پیشبرد خواست خدا در زندگی ما. بله روزانه با روح القدس زندگی می کنیم و بیدار هستیم.

۴۳: این را بدانید که اگر صاحبخانه می دانست دزد در چه پاسی از شب می آید، بیدار می ماند و نمی

گذاشت به خانه اش دستبرد زنند.

صاحبخانه می داند دزد در راه است، و اگر شده تمام شب بیدار می ماند. صاحبخانه کیست؟ پدر. خانه کجاست.....؟ دل ما. پس دزد خیال بدی برای دل ما دارد. دل ما در دست کیست.....؟ روح القدس. پس می گوید روح القدس بیدار می ماند و نمی گذاشت به خانه اش دستبرد زنند. کوچک ترین نشانه از شیطان را روح القدس می بیند. هر روزنه ای را که شیطان برای نفوذ خود پیدا کند، روح القدس هشدار لازم را می دهد (در صورتی که بشناسیم)، و تازه..... می گوید، کمال شادی بیانگارید! نفوذی که شیطان در ما دارد

(و به گناه می انجامد) می تواند باعث برکت ما بشود! درک آن مشکل است ولی خدا از مسائل زندگی این دنیا استفاده می کند تا خود را نشان بدهد. آن نوری بشود که بر همه بتابد. اما می گوید وقت کم است. تجربیات لازم را بدست آورید، و خود را برای دیدار با عیسی آماده سازید. ما اشخاصی که به سن بالایی رسیده ایم، این حقایق را بیش از پیش می بینیم، و خدا را شکر روزی شما را نیز آنجا خواهیم دید. آمین.

متی ۲۴

۴۴: پس شما نیز آماده باشید، زیرا پسر انسان در ساعتی خواهد آمد که انتظارش را ندارید.

۴۵: «پس آن غلام امین و دانا کیست

که اربابش او را به سرپرستی خانواده خود گماشته باشد

تا خوراک آنان را به موقع بدهد؟

۴۶: خوشا به حال آن غلام که چون اربابش بازگردد،

او را مشغول این کار ببیند.

۴۷: آمین، به شما می گویم،

که او را بر همه مایملک خود خواهد گماشت.

۴۸: اما اگر آن غلام، شریر باشد و با خود بیندیشد که «اربام تأخیر کرده است،»

۴۹: و به آزار همکاران خود بپردازد و با میگساران مشغول خوردن و نوشیدن شود،

۵۰: آنگاه اربابش در روزی که انتظار ندارد

و در ساعتی که از آن آگاه نیست خواهد آمد

۵۱: و او را از میان دو پاره کرده،

در جایگاه ریاکاران خواهد افکند،

جایی که گریه و دندان به دندان ساییدن خواهد بود.

۴۴: پس شما نیز آماده باشید، زیرا پسر انسان در ساعتی خواهد آمد که انتظارش را ندارید. منظور از آماده باشید چیست.....؟ برگشت عیسی. "هر که به او بیشتر داده شود، از او بیشتر نیز مطالبه خواهد شد؛ و هر که مسئولیتش بیشتر باشد، پاسخگویی اش نیز بیشتر خواهد بود" (لوقا ۱۲: ۴۸ ب). البته خدا همیشه آماده است. به ما می گوید، آماده باشید. منظور، "زیرا ما خود را موعظه نمی کنیم، بلکه عیسی مسیح را به عنوان خداوند موعظه می کنیم، و از خود تنها به خاطر عیسی، و آن هم فقط به عنوان خادم شما سخن می گوئیم." خدا است که ما را منور ساخته و می گوید، "اما این گنجینه را در ظرفی خاکی داریم، تا آشکار باشد که این قدرت خارق العاده از خداست نه از ما." (دوم قرنتیان ۴: ۵ و ۷). آن تغییری که در ما می بینند، آن گنجینه را در ظرفی خاکی داریم. مردم وقتی عیسی را دوباره دیدند، تعجب کردند... "مگر او پسر آن نجار نیست؟ مگر نام مادرش مریم نیست؟ و برادرانش یعقوب و یوسف و شمعون و یهوذا نیستند؟ مگر همه خواهرانش در میان ما زندگی نمی کنند؟ پس این چیزها را از کجا کسب کرده است؟" (۱۳: ۵۵ و ۵۶). بگذریم از آنکه او را رد کردند، منظور اینست که آنچه از قدیم مانده، جلوی آنچه از نو می خواهد وارد بشود را خواهد گرفت. امکانش هست، ولی زمان می برد تا آن شخصیت تازه، مورد قبول دیگران قرار بگیرد. وقتی زمانی را که شیطان در زندگی بشر داشته را در نظر بگیریم، از آدم و حوا گرفته تا بحال، تعجب ندارد که جنس ما ناسالم به دنیا آمده و به همین خاطر نیز می میرد. پطرس در اول قرنتیان ۹:

۲۷ می گوید، "بلکه تن خود را سختی می دهم و در بندگی خویش نگاهش می دارم، مبادا پس از موعظه به دیگران، خود مردود گردم". البته مردود شدن ناگزیر است (در دنیای از جلال افتاده)، ولی خدا می گوید، "هیچ آزمایشی بر شما نیامده که مناسب بشر نباشد. و خدا امین است؛ او اجازه نمی دهد بیش از توان خود آزموده شوید، بلکه همراه آزمایش راه گریزی نیز فراهم می سازد تا تاب تحملش را داشته باشید" (اول قرننثیان ۱۰: ۱۳). منظور از آزمایش چیست.....؟! اجرای کلام خدا. خدا از طریق روح القدس کلامش را در ما مورد آزمایش قرار می دهد. شیطان ما را وسوسه می کند که به گناه می انجامد، و خدا ما را آزمایش می کند تا به نیکی بی انجامد. ما روزانه مورد آزمایش خدا قرار می گیریم. تجربیات ما از خداست (آزمایش) که ما را در راه خدا محکم نگاه می دارند، و روح القدس است که آینده ما را می سازد. اینگونه است که ما نیز آماده می باشیم.

۴۵: «پس آن غلام امین و دانا کیست که اربابش او را به سرپرستی خانواده خود گماشته باشد تا خوراک آنان را به موقع بدهد؟»

در جای دیگر، خدا می گوید، خدا «به هر کس بر حسب اعمالش سزا خواهد داد» او به کسانی که با پایداری در انجام اعمال نیکو، در پی جلال و حرمت و بقا، حیات جاویدان خواهد بخشید؛ (رومیان ۲: ۶ و ۷). سوال اینجاست، سرپرست خانواده کیست.....؟! مرد خانه؟ شوهر؟ شبان؟ خدا؟ خیر! من، شما، هر یک سرپرست خانواده خود هستیم. سرپرستی از آدم و حوا شروع شد. وقتی می خوانیم، اربابش او را به سرپرستی خانواده خود گماشته، می بینیم منظور جنبه روحانی دارد، و می گوید آنکه روح القدس را دارد، سرپرستی او را باید داشته باشد. خوراک ما چیست.....؟! کلام خدا. تجربه همان خوراک روحانی است. به همین خاطر است که بارها گفته ایم که تصور مخالف تجربه است. در باغ عدن هوا نیز تصور کرد (با آنچه در پیش بود آشنا نبود). نباید از یاد برد که عیسی یکایک ما را برای آینده خودش (حیات جاودان) میسازد. البته نوع دیگر حیات جاودان، در جهنم نیز هست. خدا به بی ایمانان رحم کند.

۴۶: خوشا به حال آن غلام که چون اربابش بازگردد، او را مشغول این کار ببیند.

روح القدس است که ما را به حرکت در می آورد. قبلاً در مسیر دیگری حرکت می کردیم. حال خدای خالق در ماست که می گوید چه بکن و چه نکن. مردم با مذهب مخالفند چون می گویند همش این کار را بکن، اون کار را نکن. اما مگر روح القدس در ما نیز چنین کاری نمی کند؟ پس فرق چیست.....؟! خواست خدا. هر یک خواست ویژه خدا را در خود داریم. تا زمانی که خواست او برآورده نشود، محزون خواهد ماند، و روح قدوس خدا را که به او تا روز رستگاری مختوم شده اید، محزون مسازید" (الفسسیان ۴: ۳۰ قدیم). اگر با خدا راه می رویم، روح القدس ما را حرکت می دهد، اما اگر مطمئن نیستیم، لازم است به کلیسا پناه آوریم و نگذاریم، دزد وارد خانه خدا گردد. آنکه نجات یافته روح القدس را دارد (چه بشناسد چه نشناسد). صحبت از داشتن یا نداشتن نیست. صحبت از شناخت روح القدس است که در خود داریم. بسیاری هستند که تنها توانای تصور آنچه خوانده اند را دارند. شنیده اند و به خاطر دارند و مطیع آن هستند. اما تجربه را مانند مذهبیبون گذاشته اند در آینده دست خدا! اگر کلیسا جرأت می کرد بگوید، ما راه حل مسائل فرزندان خدا را داریم، آیا کسی آنجا را ترک می کرد؟ قاعدتاً مردم صف خواهند کشید وارد شوند. پس مشکل کجاست.....؟! در ما که اعضای کلیسا می باشیم. سرپرستی خانواده خود از ما شروع می شود. باید از کلیسا بخواهیم. آنوقت، کلیسا نیز خواهد خواست، کوبید، و جوئید، تا خواست خدا را انجام رساند. اگر خود قدم بر نداریم، حرکت نخواهیم کرد. ما مانند مذهبیبون نیستیم که همه چیز را به بعد موکول می نمایند. زنده شده ایم تا بتوانیم از قصد آنچه روح القدس در پیش ما گذاشته انجام رسانیم. چرا از قصد.....؟! چون خدا باید جای شیطان را بگیرد. جنگ روحانی در پیش است و دو یا سه نفر باید باشند تا عیسی از طریق روح القدس حضور یابد. این دو یا سه نفر کجا هستند.....؟! در کلیسا. اما اگر نخواهیم، نکوبیم، و نجوئیم، نخواهیم داشت. کلیسا تنها

جای شنیدن نیست (موعظه، تعلیم کلام)، جای عمل در راه خدا نیز می باشد. موعظه هفتگی مربوط به کلام است. اما در طول هفته امکان دارد از یاد برود. از یاد بردن موعظه، بی کفایتی آن را نشان می دهد. راه اینست که آیات استفاده شده را بخوانید شنوندگان نیز تفسیر کنند و بنویسند چه ربطی به آنها دارد.

مثال

یعقوب ۱

۲: ای برادران من، ۱..... صحبت با کیست؟؟

هر گاه ۲..... هر گاه یعنی چه؟

با آزمایش های گوناگون ۳..... آزمایش یعنی چه؟ چه فرقی با وسوسه دارد؟

روبرو می شوید، ۴..... منظور از روبرو می شوید چیست؟

آن را ۵. یعنی آنچه باعث لعنت زندگی شده؟

کمال شادی ۶..... چرا کمال؟

بینگارید! ۷..... چرا علامت تعجب؟

۸. آیه را به زبان خود کوتاه تفسیر کنید.

۹. این آیه چه ربطی با شما دارد؟

۱۰. چیست که به شما ربط دارد؟

۴۷: آمین، به شما می گویم، که او را بر همه مایملک خود خواهد گماشت. بیاد داشته باشیم که نا گهان..... او فرشتگان خود را با نفیر بلند شیپور خواهد فرستاد و آنها برگزیدگان او را از چهار گوشه جهان، از یک کران آسمان تا به کران دیگر، گرد هم خواهند آورد. " (۳۱). خدا را شکر برای مکاشفه او که تا بحال نصیب ما شده. می دانیم که مکاشفات نهایت ندارند. اما روح القدس تشنه کلامش می باشد، و بعضی مواقع مخالفت خود را نشان می دهد. چگونه.....؟ روح القدس محزون شده در نتیجه شیطان هدایت می کند. تاریکی تنها در شیطان است. چشم دل ما باز شده، بهتر می بینیم. خدا محبت است، اما تحمل گناه را ندارد. هشدار را می دهد (اگر گوش شنوا باشد)، و اگر میوه بد آورد نیز می گوید، کمال شادی بی انگارید. راه برگشت دست ما نیست..... دست خداست (روح القدس و کلامش). ما تنها اطاعت کرده در راه او قدم بر می داریم. معجزه خدا را روح القدس انجام می نماید.

۴۸: اما اگر آن غلام، شریر باشد و با خود بیندیشد که "اربابم تأخیر کرده است،"

۴۹: و به آزار همکاران خود بپردازد و با میگساران مشغول خوردن و نوشیدن شود،

بسیاری هستند که از خدا و کلامش سواستفاده می کنند. عیسی ما را از وجود چنین افرادی خبردار می کند. چرا.....؟ چون همان دزدی که شیخون زده تا ناخودآگاه تخم بیگانه را بکارد، غلام نیز هست! خود محوری متأسفانه جای بهشت خدا را گرفته. آنکه نجات یافته، باید تجربه از کلام داشته باشد. حال بگذریم از آنکه معیار خدا می گوید، "هر که به او بیشتر داده شود، از او بیشتر نیز مطالبه خواهد شد؛ و هر که مسئولیتش بیشتر باشد، پاسخگویی اش نیز بیشتر خواهد بود" (لوقا ۱۲: ۴۸ ب). مکتب های مختلف مسیحی زیادند. همه به خاطر آنکه جنبه عملی کلام خدا، و روح القدسی که درون هر فرزند خدا هست..... نادیده گرفته شده. چه فایده از کره ماه تعریف کنید، بدون آنکه چگونه می توان به آن رسید. باید بهوش آمد و جان عیسی را بیش از این بالا برد. از ما آغاز می گردد. خود باید از خدا جویای تغییر بیشتر بشویم. روح القدس مانند

جوی آب زلالی است که اگر جلوی آن را بگیرید، خراب می شود (محزون). او قبل از ایمان ما، محزون بود و باعث شد به خدا پناه آوریم. حال ببینید چقدر باید شیطان نفوذ کرده باشد که **غلام، شریر باشد و به آزار همکاران خود پردازد و با میگساران مشغول خوردن و نوشیدن شود**. در صورتی که اگر فرض کنیم تنها یک درجه از راه تنگ و باریک خدا منحرف شویم، وقتی به خدا برسیم فاصله ما چقدر دور از او خواهد بود، متوجه اهمیتی که خصوصیات راه، و موقعیتی که در آن داریم، داشته باشیم. روح القدس قوای محرک ماست. او قدرتش بی نهایت است، چون خداست. جان و حیات ما از اوست. پس چه بهتر که بیشتر با خصوصیات او آشنا بشویم. خودش گفته اگر کوشش خود را بخرج دهیم، از او برداشت خواهیم کرد. و این همان است که روح القدس تشنه آن می باشد. او دارد ما را برای دنیای جلال دار، آماده می سازد. **او فرشتگان خود را با نفیر بلند شیپور خواهد فرستاد و آنها برگزیدگان او را از چهار گوشه جهان، از یک کران آسمان تا به کران دیگر، گرد هم خواهند آورد.** " (۳۱).

۵۰: **آنگاه اربابش در روزی که انتظار ندارد و در ساعتی که از آن آگاه نیست خواهد آمد.** توجه کرده اید چند بار به این مطلب، **اربابش در روزی که انتظار ندارد و در ساعتی که از آن آگاه نیست خواهد آمد** اشاره می کند. چرا.....؟! چون وقت کم است و برداشت زیاد. فراموش نکنید حیات ابدی ما در این دنیا آغاز می شود، اما پس از گذشت دوره آن، مورد استفاده دنیای بعدی قرار خواهد گرفت. زمانی که متوجه این موضوع می شویم، اهمیت آنچه عیسی جانش را برای آن داد، مشخص می شود. عیسی جانش را برای دل ما داد، تا روح القدس خواست خدا را بگونه ویژه خود، انجام رساند. اما تنها بخاطر زندگی در این دنیا نیست! خدا بی نهایت است و خواست او بی نهایت است. نجات ما بخاطر خواست خدا پس از حیات در این دنیاست. روحش در عالم هستی در کار است، و ما نیز قسمتی از آن می باشیم. صحنه کار خدا را باید بدانیم تا بهتر بتوانیم خود را در آن ببینیم. هر چه از خدا هست مفت چنگ است، اما چنگ باید زد.

۵۱: **و او را از میان دو پاره کرده، در جایگاه ریاکاران خواهد افکند، جایی که گریه و دندان به دندان ساییدن خواهد بود.**

حقیقت را نمی توان انکار کرد. می توان نادیده گرفت (مانند دنیا)، اما نمی توان خود را از آن پنهان کرد. کسانی که از عیسی مسیح سوئاستفاده می کنند، برای خودشان بدبختی اندوخته می کنند. می گویند کدام بهشت، کدام جهنم! بپرسید آخرین باری که ناراحت شدی را بخاطر بیاور. این جهنم است و راهیست که به آن ختم می شود. درست بر عکس آن، خدا موجود بهشتی است، و می گوید، **"زیرا فکری را که برای شما دارم می دانم، که فکری سعادت‌مندی است و نه تیره بختی، تا به شما امید بخشم و آینده ای عطا کنم؛ این است فرموده خداوند"** (ارمیا ۲۹: ۱۱). ما آنچه می خوانیم را در همه عهد های روحانی ملکوت خدا، مربوط و بکار می بریم. آمین.

فهرست زیر نویس های فصل بیست و چهارم

(۱) تدریس مشاوره مسیحی : <http://www.moshaveremasihi.com/Teach.html>

(۲) مسیح و مسائل و مشکلات شما، نام کتابی است که منتشر شده:
<http://www.moshaveremasihi.com/Ketab-Ha.html>

(۳) «این پادشاه با اشخاص زیادی پیمان یک «هفته ای» می بندد، ولی وقتی نصف این مدت گذشته باشد، مانع تقدیم قربانیها و هدایا خواهد شد. سپس این خرابکار، خانه خدا را آلوده خواهد ساخت، ولی سرانجام آنچه برای او مقرر شده بر سرش خواهد آمد» (دانیال ۲۹: ۷).

(۴) مسائل زناشویی از جمله مسائلی است که زمان می برد تا نتیجه بدهد. اما، تا بحال موردی نبوده که خدا در آن موفق نشده باشد. خدا را شکر. خدا کارش معجزه است.